



### فرآیندشناسی مطالعات میان‌رشته‌ای در پژوهش‌های قرآنی؛ نمونه موردی: واژه «شاکله» در آیه ۸۴ سوره اسراء\*

دکتر قاسم درزی<sup>۱</sup>

استادیار پژوهشکده اعجاز قرآن، دانشگاه شهید بهشتی

Email: gh\_darzi@sbu.ac.ir

مرتضی سلمان نژاد

پژوهشگر دانشگاه امام صادق (ع)

Email: msnd66@gmail.com

#### چکیده

امروزه پیچیدگی‌های مفهومی در ارتباط با برخی مفاهیم قرآنی، افق‌های نوینی در این نوع از پژوهش‌ها فراسوی محققان گشوده است. از جمله می‌توان به اقبال محققان به الگوهای روشی مطالعات میان‌رشته‌ای به صورت تخصصی در یک دهه اخیر اشاره داشت. جستار پیش رو از دو حیث روش و موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ از جهت موضوع به واکاوی مفهومی «شاکله» پرداخته است؛ واژه‌ای که به رغم تک‌کاربرد بودن آن در قرآن کریم معانی مختلفی را در طول سنت تفسیری از سوی مفسران به خود اختصاص داده و همچنان به دلیل همین پیچیدگی مفهومی، ضرورت ورود به حل مسأله از منظر مطالعات میان‌رشته‌ای را موجب شده است. از جهت روش نیز با برگزیدن رویکرد تلفیقی به مطالعات میان‌رشته‌ای، سعی در تبیین بهتری در معنای «شاکله» در قرآن کریم با نگاهی فرایندمحور دارد. از میان دو رویکرد کل‌نگر و تلفیقی به مطالعات میان‌رشته‌ای، این تلفیق گراها هستند که معتقدند از طریق نگاهی فرایندمحور می‌توان به تلفیق دست یافت. دو مرحله اساسی در این ارتباط می‌توان در نظر گرفت: ترسیم بیش‌های رشته‌ای و تلفیق این بیش‌ها. غالب نظریه‌پردازان فرایند میان‌رشته‌ای، تمامی مراحل مورد نظرشان را ذیل این دو قسمت اساسی قرار داده‌اند. با وجودی که اتفاق نظر خوبی پیرامون اصل نگاه فرآیندی در میان این نظریه پردازان وجود دارد، اما در تعداد مراحل اختلاف شدیدی دیده می‌شود. با توجه به جمع‌بندی زوستاک از این مراحل، پنج مرحله زیر برای فرایند میان‌رشته‌ای پیشنهاد می‌شود: الف. شناسایی مسأله یا پرسش پژوهش؛ ب. شناسایی رشته‌ها، روش‌ها، نظریات و پدیده‌های مرتبط با پرسش، مسأله یا موضوع اصلی؛ ج. زمینه‌مندسازی مسأله مورد نظر در رشته‌های مرتبط و ایجاد بیش‌های مرتبط با مسأله؛ د. ایجاد زمینه مشترک، و هـ. ایجاد ادراک جامع و آزمون آن. در این مقاله تلاش شده تا حد امکان مراحل یاد شده در تبیین مقوله پیچیده «شاکله» به کار گرفته شود.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، شاکله، مطالعات میان‌رشته‌ای، فرآیندشناسی، تلفیق بیش‌ها، زمینه مشترک.

\* مقاله پژوهشی، تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۳/۱۴؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۶/۱۰/۲۳.

۱. نویسنده مسئول

---

**Processology of Interdisciplinary Studies in Quranic Studies;  
Case study: The Word "Shakeleh" in Surah Asra (Verse 84)**

**Dr. Qasem Darzi (Corresponding Author)**, Assistant Professor of Quran Research Institute, Shahid Beheshti University

**Morteza Salmannejad**, Reasercher at Imam Sadiq University

**Abstract**

Today, conceptual complexities surrounding some Quranic concepts have opened new avenues of research for the researchers. It is especially evident in the inclination of researchers for models of interdisciplinary studies in the last decade. This paper is of crucial importance in terms of method and subject matter. From the perspective of subject, it explores the concept of "Shakeleh", a term which despite its single function in the Holy Quran, has been assigned with diverse meanings by exegetes throughout the interpretation tradition. This conceptual complexity highlights the importance of addressing this problem from the perspective of interdisciplinary studies.

From a methodological viewpoint, adopting a combined approach to interdisciplinary studies, offers deeper insights into the meaning of the "Shakeleh" in the Holy Quran from a process-oriented approach. There are two holistic and integrate approaches to interdisciplinary studies. The advocates of the latter posit that integration can be achieved through a process-oriented perspective. In this connection, two fundamental steps can be envisaged: portraying insights derived from each discipline and amalgamating such insights. Most of the interdisciplinary theorists have classified all of their steps under these two fundamental stages. Despite the relative consensus on the principle of a process-oriented approach among these theorists, there is considerable disparity with regard to the number of steps. According to Szostak's classification, the following five steps are recommended for the interdisciplinary process: A) identification of the problem or research question; B) identification of disciplines, methods, theories and phenomena associated with the question, issue or subject matter; C) contextualizing the problem in relevant disciplines and offering insights related to the problem; D) finding a common ground, and E) obtaining a comprehensive perception and testing it. In this article, attempts have been made to employ the above steps in a bid to explain the complexity of the term "Shakeleh".

**Keywords:** Holy Qur'an, Shakeleh, Interdisciplinary studies, Processology, Integrated insights, Common grounds

## مقدمه

بیش از یک دهه است که مطالعات میان‌رشته‌ای در ایران اهمیتی اساسی پیدا کرده است تا جایی که اولویت ویژه‌ای برای این نوع از تحقیقات در نظر گرفته شده است. اما پیچیدگی‌های یک پژوهش میان‌رشته‌ای موجب شده که در عمل شاهد آثار موفق‌تری در این حوزه نباشیم. یکی از دلایل مهم این ناکامی‌ها، نبود روشی معیار و کاربردی برای مطالعات میان‌رشته‌ای است. نظریه‌پردازان مطالعات میان‌رشته‌ای نیز تاکنون کمتر به این موضوع پرداخته‌اند و البته این کاستی مورد اعتراض بسیاری از آن‌ها نیز بوده است؛ توضیح آنکه اگر نظریه‌پردازان مطالعات میان‌رشته‌ای را به دو دسته کل‌نگرها و تلفیق‌گراها تقسیم نماییم، تلفیق‌گراها<sup>۱</sup> برقراری ترکیب و تلفیق میان روی‌آوردهای گوناگون را به عنوان عاملی اساسی برای تحقق میان‌رشته‌ای معرفی می‌نمایند (Kockelmans, 1979; Klein, 1990, p 188; National Academy of Sciences, 2005, p 27). مشکل اساسی تلفیق‌گراها این است که آن‌ها کمتر به تبیین جزئیات کاربردی تلفیق پرداخته‌اند؛ امری که از سوی کل‌نگرها نیز مورد اشکال واقع شده است. به همین جهت کل‌نگرها، بیش از آنکه میزان موفقیت یک پژوهش میان‌رشته‌ای را در سطح تلفیق بدانند، چنین موفقیتی را مدیون تمرکز بر روی سوالاتی می‌دانند که پروژه پژوهشی را به پیش می‌برد (Lattuca, 2001, p 80). تلفیق‌گراها برای گریز از این اشکال اساسی کل‌نگرها به ارائه فرآیندی جزئی و نمونه‌محور برای دستیابی به تلفیق میان‌رشته‌ها پرداخته‌اند.

باید توجه داشت که دستیابی به تلفیق برای مطالعات قرآنی نیز از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. بیشترین آسیب‌های روشی که تاکنون متوجه مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم بوده است، ناظر به همین ناکامی پژوهشگران در تلفیق صحیح رشته‌ها بوده است. البته تاکنون پژوهش‌هایی برای اجتناب از تحقیق غیر روش‌مند در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآنی و همچنین کیفیت تلفیق صحیح رشته‌ها صورت پذیرفته است. مقاله‌ای با عنوان «گونه‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم» (درزی و همکاران، ۱۳۹۲) به بیان گونه‌های پژوهش‌های قرآنی بر اساس میزان موفقیت آن‌ها در تلفیق رشته‌ها پرداخته است. اما در مقاله‌ای دیگر با عنوان «الزامات روش‌شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم» (درزی و همکاران، ۱۳۹۵) با تفصیل بیشتری به ابهامات و اشکالات روشی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآنی پرداخته شده است. در پژوهش اخیر، با دو انگاره مطالعات میان‌رشته‌ای ارگانیکی، در مقابل مطالعات میان‌رشته‌ای مکانیکی، تلفیق ناقص و ناکارآمد رشته‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند. ضمن اینکه راه‌هایی برای دستیابی به تلفیق صحیح پیشنهاد شده‌اند. لیکن در پژوهشی دیگر با عنوان «نقش ترجمه فرهنگی در مطالعات میان‌رشته‌ای»

۱. Integrationists.

(درزی و پاکتچی، ۱۳۹۴) به شکل خاص به راهکارهای ایجاد تعامل و تلفیق رشته‌ها از طریق ترجمه فرهنگی آن‌ها پرداخته شده است. آنچه که در جدیدترین پژوهش‌های مرتبط با فرآیندشناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم می‌توان به آن اشاره کرد، پژوهش‌هایی است که با عنوان «ترسیم جایگاه قرآن در منظومه علوم با تاکید بر علوم انسانی» (درزی، ۱۳۹۵)، و «ترسیم جایگاه قرآن در منظومه علوم با تاکید بر علوم حوزه سلامت» (درزی، ۱۳۹۶) منتشر شده‌اند. در هر دو پژوهش، نسبت و جایگاه همجواری قرآن با دیگر علوم تبیین شده است. هر یک از این پژوهش‌ها را می‌توان به عنوان مقدمه‌ای مهم و تأثیرگذار در پرداختن به موضوع فرآیندشناسی مطالعات میان‌رشته‌ای در پژوهش‌های قرآنی در نظر داشت. به هر روی، تبیین فرآیند مطالعات میان‌رشته‌ای می‌تواند دو هدف اساسی را برای مطالعات قرآنی تأمین کند. نخست راهکار عملی مناسبی را پیش‌روی علاقه‌مندان مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم قرار می‌دهد و پژوهش‌های مرتبط را از آشفتگی و نابسامانی‌های احتمالی دور می‌سازد؛ دوم دست‌یابی تلفیق اثربخش میان مقولات قرآنی و دیگر رشته‌ها را فراهم می‌سازد. این دو هدف مهم، ترسیم چنین فرآیندی را برای یک پژوهش میان‌رشته‌ای کارآمد ضروری می‌سازد. بی‌شک ارائه نمونه‌محور این فرآیند در مطالعات قرآنی، ثمره اثرگذار به دنبال خواهد داشت. مفهوم شاکله، در آیه ۸۴ سوره اسراء، از مفاهیمی است که ظرفیت میان‌رشته‌ای خوبی داشته و تمرکز روی آن، امکان دیالوگ میان قرآن کریم و رشته‌های مهمی چون روان‌شناسی و جامعه‌شناسی را پدید خواهد آورد. از این رو جستار حاضر پس از ارائه الگوی مورد نظر در ارتباط با فرآیند پژوهش میان‌رشته‌ای، در گام بعد با استفاده از آن، ادراکی جامع‌نگر را در ارتباط با مسأله منتخب در آیه شاکله به نمایش گذاشته است. توجه به این نکته ضروری است که هدف اصلی، ترسیم فرآیند صحیح پژوهش میان‌رشته‌ای است. قطعاً ارائه چنین فرآیندی امکان طرح نمونه‌محور پژوهش‌های متعدد دیگری را در آینده فراهم خواهد کرد.

### مطالعات میان‌رشته‌ای؛ مرور پیشینه و ادبیات تحقیق

میان‌رشته‌ای فرآیندی جهت دست‌یابی به ترکیبی تلفیقی<sup>۱</sup> است؛ فرآیندی که غالباً با یک مسأله، سؤال و یا موضوع آغاز می‌شود (Klein, 1990, p 188). مراد از اصطلاح «فرآیند»، عملکردی مستمر با یک پایان مشخص است. سرانجام مشخص مطالعات میان‌رشته‌ای، دست‌یابی به فهمی جامع‌تر از یک مسأله یا پدیده پیچیده است. تلفیق نیز ابزار دست‌یابی به این هدف محسوب می‌شود (Jay Gould, 2004, p 9). پرسش اصلی درباره میزان اعتقاد پژوهشگران در رابطه با فرآیندی بودن این نوع از مطالعات است.

۱. Integrative Synthesis.

نیوویل به وجود توافقی گسترده مبنی بر ضرورت داشتن فرایند<sup>۱</sup> میان‌رشته‌گی معتقد است (Newell, 2007, p 14) این در حالی است که وضعیت مبهمی در مراحل چنین فرآیندی دیده می‌شود (ibid). از این رو مناقشات زیادی روی مراحل این نوع از مطالعات وجود دارد. در ادامه با ذکر برخی از مهم‌ترین نظرات پیرامون کم و کیف این نوع از نظرات، سعی در ترسیم مدلی تلفیقی جهت بومی‌سازی فرآیند میان‌رشته‌گی در مطالعات قرآنی داریم.

کلاین، اولین پژوهشگری است که به تفصیل، مراحل فرآیند پژوهشی میان‌رشته‌ای را ذکر کرده است (See: Klien, 1990, p 188-189). او در قالب سه مرحله اصلی، دوازده زیرمرحله را برای یک پژوهش میان‌رشته‌ای صحیح برشمرده است (ibid). سه مرحله اصلی او به سه وجه عمق<sup>۲</sup>، گستره<sup>۳</sup> و ترکیب<sup>۴</sup> ناظر است (Klein, 1996, p 212). عمق به صلاحیت‌های رشته‌ای مرتبط اشاره دارد. گستره ناظر به روی‌آوردی جامع<sup>۵</sup> است که بر مبنای متغیرها و دیدگاه‌های<sup>۶</sup> متعدّد استوار شده است و ترکیب نیز به ایجاد خروجی میان‌رشته‌ای از طریق برخی کُنش‌های تلفیقی اشاره دارد. از نگاه او، پیاده‌سازی تلفیق، نیازمند بکارگیری فعال همه این سه ضلع<sup>۷</sup> است (ibid). نیوویل، پژوهشگر دیگری است که فرآیند میان‌رشته‌گی را همسان با کلاین طراحی کرد (Newell, 2001, p 15). در ادامه جدول تلفیق از منظر کلاین و نیوویل آمده است.

جدول ۱ فرآیند تلفیق از نظر کلاین (۱۹۹۰) و نیوویل (۲۰۰۱)
۱ الف- تعریف مسأله [سؤال، موضوع، ...]
ب- تعیین دانش‌های مورد نیاز که روی آورده‌های رشته‌ای جانشین و ... را شامل می‌شود.
ج- توسعه چارچوب تلفیقی و پرسش‌های مناسب بررسی؛
۲ الف- مشخص کردن مطالعات ویژه برای پژوهش؛
ب- درگیر شدن در «بحث نقش» (البته در کار گروهی)؛

۱. Process
۲. Depth.
۳. Breadth.
۴. Synthesis.
۵. Comprehensive Approach.
۶. Perspectives.
۷. Triangulation.

ج- جمع آوری تمام دانش موجود و جستجو برای اطلاعات جدید؛
د- حل و فصل مناقشات رشته‌ای برای [دست‌یابی به] زبان مشترک (و تمرکز بر یادگیری متقابل در کار تیمی)؛
ه- ایجاد و حفظ ارتباطات از طریق تکنیک‌های تلفیقی؛
۳- الف- ترکیب همه مشارکت‌ها و بررسی و ارزیابی کیفیت، میزان ارتباط و تطبیق‌پذیری آن‌ها؛
ب- تلفیق قطعات منفرد به منظور تعیین مدل پیوند و ارتباط دو جانبه؛
ج- تأیید و عدم تأیید راه‌حل پیشنهادی؛
د- تصمیم‌گیری برای مدیریت آینده یا سامان دادن به کار، پروژه، بیمار، برنامه درسی.

پس از کلاین (۱۹۹۰) و نیوییل (۲۰۰۱)، این بار زوستاک (۲۰۰۲) بود تا مدل منتخبش را از فرآیند ارائه کند. مهم‌ترین نقضی که در کارهای پیشین وجود داشت، توضیح ناکافی و ناکارآمدی بود که برای مراحل فرآیند میان‌رشته‌ای ذکر شده بود. زوستاک با وجود تأثیرپذیری بیشینه از مدل‌های پیشین، تلاش کرد تا توضیحات کافی و مفیدی را برای مراحل ذکر کند (Szostak, 2002, p 104).. زوستاک بدون اینکه دسته‌بندی خاصی را در فرآیند مورد نظرش ارائه کند، ۱۲ مرحله را به عنوان فرآیند میان‌رشته‌ای معرفی کرد (ibid: 105-119).

<b>جدول ۲ فرآیند پژوهش میان‌رشته‌ای از نظر زوستاک (۲۰۰۲)</b>
۱- [پژوهش میان‌رشته‌ای] با سؤال میان‌رشته‌ای آغاز می‌شود؛
۲- تعیین پدیده‌های کلیدی و همچنین پدیده‌های فرعی و مکمل؛
۳- مشخص کردن اینکه چه نظریات و روش‌هایی به‌طور خاص با سؤال مورد نظر ما در ارتباط هستند. در ارتباط با پدیده‌ها باید مراقب بود که از نظریات و روش‌های که می‌توانند به روشن‌تر شدن سؤال مورد نظرمان کمک کنند غفلت نشود.
۴- انجام یک بررسی کامل بر روی ادبیات تحقیق؛
۵- تعیین رشته‌ها و همچنین دیدگاه‌های رشته‌ای مرتبط [با سؤال تحقیق]؛
۶- اگر برخی از پدیده‌ها، نظریات و روش‌هایی که در مرحله ۲ و ۳ مشخص شده‌اند، مشخص شود که به‌خوبی در ادبیات تحقیق مورد توجه قرار نگرفته‌اند، پژوهشگر می‌بایست چنین پژوهشی را بر

روی آن‌ها انجام دهد؛
۷- بررسی و سنجش نتایج پژوهش سابق؛
۸- مقایسه و مقابله نتایج پژوهش میان‌رشته‌ای یا رشته‌ای سابق؛
۹- بسط یک آنالیز جامع‌تر و تلفیقی‌تر؛
۱۰- تأمل کردن بر روی نتایج تلفیق؛
۱۱- آزمون نتایج تلفیق؛
۱۲- برقراری ارتباط و گفتگو میان نتایج تحقیق.

شاید همین ابهامات اساسی در مراحل موجود در میان‌رشته‌ای موجب شده است تا نیکیتینا (۲۰۰۲) تنها ۴ مرحله را برای فرآیند تلفیق میان‌رشته‌ای معرفی کند (See: Nikitina, 2002, p 35-41). گرچه او این مراحل را برای آموزش کلاسی مطرح می‌کند اما به نوعی نیز نارضایتی خود را از مراحل مفصل ناکارآمد ارائه شده توسط میان‌رشته‌پژوهان بیان می‌دارد.

<b>جدول ۳ مراحل میان‌رشته‌ای از نظر نیکیتینا (۲۰۰۲)</b>
۱- آموزش رشته و یا رشته‌های [مرتبط با مساله میان‌رشته‌ای]؛
۲- مشخص کردن نقاط ارتباط و گسست [میان رشته‌های مرتبط با مساله میان‌رشته‌ای]؛
۳- توصیف محدودیت‌های رشته [و یا رشته‌های مرتبط با مساله میان‌رشته‌ای]؛
۴- تلاش برای دست‌یابی به ترکیب [رشته‌های درگیر در پژوهش میان‌رشته‌ای].

بی‌تردید بازبینی مجدد نیوویل (۲۰۰۷؛ همچنین ۱۳۸۷) نسبت به فرآیند میان‌رشته‌ای را باید بهترین و تاثیرگذارترین پژوهش‌ها در این باره دانست. تمایز آشکار این اثر با آثار پیش از این، در نمونه‌های عملی‌ای بود که او برای هر یک از مراحل فرآیند بیان می‌دارد. این نمونه‌های عملی، عمدتاً کارهای کلاسی است که پژوهش‌گران رشته‌های مختلف برای تست مراحل فرآیند میان‌رشته‌ای صورت داده‌اند و تلاش کرده‌اند تا عملاً فرآیند تلفیق را نمایش دهند. تمایز دیگر آن بود که او مراحل فرآیند را در دو دسته کلی و در ۱۴ مرحله فرعی تقسیم کرده بود. دو مرحله اصلی او عبارت بودند از: الف. ترسیم بینش‌های رشته‌ای؛ و ب. تلفیق این بینش‌های رشته‌ای از طریق ساخت یک ادراک جامع‌تر (Newell, 2007, p 248). او همچنین

تصریح می‌کند که ارائه این مراحل بدین معنا نیست که همپوشانی‌ای با یکدیگر ندارند. همچنین این مراحل بیش از آنکه توصیفی باشند، اکتشافی هستند (ibid).

جدول ۴ فرآیند پژوهش میان‌رشته‌ای از نظر نیوویل (۲۰۰۷؛ ۱۳۸۷)
الف- ترسیم بینش‌های رشته‌ای؛
۱- تعریف مساله (سؤال، مبحث، موضوع)؛
۲- تعیین رشته‌های مرتبط (شامل میان‌رشته‌ها و مکاتب فکری)؛
۳- ایجاد و بسط یک دستور کار از مفاهیم، نظریات و روش‌های هر رشته؛
۴- جمع‌آوری تمام دانش رشته‌ای مرتبط؛
۵- بررسی مساله [اصولی پژوهش] از دیدگاه هر رشته [مرتبط]؛ و
۶- تولید بینش‌های رشته‌ای نسبت به مساله؛
ب- تلفیق این بینش‌های رشته‌ای از طریق ساخت یک ادراک جامع‌تر؛
۷- تعیین مناقشات موجود در بینش‌های [رشته‌ای]؛
۸- ارزیابی مفروضات و مفاهیم در زمینه <sup>۱</sup> مساله مشخص؛
۹- حل و فصل مناقشات از طریق تلاش [برای دستیابی به] زبان مشترک و دسته‌ای از مفروضات؛
۱۰- ایجاد زمینه مشترک.
۱۱- تعیین ارتباطات (غیر خطی) میان مغیرهای بررسی شده توسط رشته‌های مختلف؛
۱۲- ساخت یک ادراک جدید از مساله؛
۱۳- تولید یک مدل (استعاره، تم) که ادراک جدید (از مساله) را به نمایش بگذارد؛ و
۱۴- آزمون این فهم جدید بوسیله تلاش برای حل مساله [بوسیله آن].

جالب آن است که نیوویل به این مراحل پایبند نبوده و در عمل تنها ۹ مرحله را برای فرآیند خود در نظر می‌گیرد (See: ibid, 249-262). او در عمل تعداد زیادی از این ۱۴ مرحله را در هم ادغام و برخی را نیز جابجا کرده است و در نهایت ۹ مرحله را در نظر گرفته است. این ۹ مرحله عبارت‌اند از:

۱. Context.



۱- تعریف مسأله؛ ۲- تعیین رشته‌های مرتبط؛ ۳- بسط و ایجاد دستور کار هر رشته؛ ۴- جمع‌آوری دانش رشته‌ای، بررسی مسأله، و ایجاد بینش‌های [مرتبط با مسأله]؛ ۵- تعیین مناقشات موجود در رشته‌ها، واضح کردن سرمنشأ این اختلاف‌ها، و ارزیابی آن‌ها؛ ۶- ایجاد زمینه مشترک؛ ۷- تعیین ارتباطات میان رشته‌ها؛ ۸- ساخت و مدل‌سازی یک ادراک جامع؛ و ۹- آزمون این ادراک جامع (ibid, 245).

با توجه به آنچه که از مرور نظرات میان‌رشته‌پژوهان در ارتباط با مراحل فرآیند میان‌رشته‌ای گفته شد، می‌توان با تکیه بر اشتراکات موجود، مراحل ذیل را پیشنهاد داد.

تقسیم مراحل فرآیند پژوهش میان‌رشته‌ای به دو دسته: الف. ترسیم بینش‌های رشته‌ای؛ و ب. تلفیق بینش‌ها. تقریباً همه پژوهشگران طی این دو مرحله را در فرآیند میان‌رشته‌ای ضروری می‌دانند. کلاین، با تقسیم سه‌تایی به عمق، گستره و ترکیب به این مطلب اشاره کرده بود، نیویول نیز در بازبینی مجدد خود (۲۰۰۷) نسبت به فرآیند میان‌رشته‌ای در عمل این دو قسمت را مد نظر قرار داده بود. رپکو نیز با تبعیت از نیویول این دو قسمت را مد نظر قرار داده است؛

با توجه به همپوشانی‌های احتمالی‌ای که بین این مراحل وجود دارد، اگر بخواهیم تعداد مراحل کمتری را در نظر بگیریم، با توجه به پیشنهاد زوستاک (۲۰۱۱) می‌توان تمام این مراحل را در ۵ مرحله مرتب کرد. اگر بخواهیم این ۵ مرحله را نیز در قالب دو دسته کلان یادشده قرار دهیم، چپنیش زیر پیشنهاد می‌گردد:

جدول ۵ مدلی تلفیقی برای فرآیند میان‌رشته‌ای
الف- ترسیم بینش‌های رشته‌ای؛
۱- شناسایی پرسش، مسأله یا موضوع میان‌رشته‌ای؛
۲- شناسایی رشته‌ها، روش‌ها، نظریات و پدیده‌های مرتبط با پرسش، مسأله یا موضوع اصلی؛ الف- تعیین رشته‌ها و منابع مرتبط؛ ب- رسیدن به حد کفایت در هر یک از رشته‌ها؛ ج- گردآوری اطلاعات از این رشته‌ها (مواردی چون: مفاهیم، روش‌ها، نظریات و ...)
۳- زمینه‌مندسازی (contextualization) مسأله مورد نظر در رشته‌های مرتبط و ایجاد بینش‌های مرتبط با مسأله؛
الف- بررسی و تحلیل مسأله و تولید بینش‌های رشته‌ای نسبت به مسأله مورد نظر
ب- تلفیق بینش‌ها
۴- دستیابی به زمینه مشترک:

الف- تعیین مناقشات موجود میانِ بینش‌های رشته‌ای؛
ب- حل و فصل مناقشات از طریق تلاش [برای دست‌یابی به] زبان مشترک
۵- مفهوم‌سازی (conceptualization): ایجاد ادراک جامع و آزمون آن
الف- تلفیقِ بینش‌ها؛
ب- ایجاد ادراک جامع و آزمون آن.

جدول ۵ به عنوان مدل پیشنهادی نویسندگان این سطور، تلفیقی است از نظریات مختلفی که تاکنون در ارتباط با چنین فرآیندی مطرح شده است. کم بودن مراحل اصلی این فرآیند به عنوان وجه متمایزی نسبت به دیگر مدل‌های مطرح شده، مورد نظر است. البته در این مدل تلاش شده تا با در نظر گرفتن مراحل فرعی، تفصیل موجود در فرآیند نیز حفظ گردد. این مدل به پژوهشگر مطالعات میان‌رشته‌ای کمک می‌کند تا بتواند پژوهش خود را مدیریت کرده، با ذهنی منسجم‌تر به حل مساله میان‌رشته‌ای خود مبادرت نماید. همچنین پژوهشگر مطالعات میان‌رشته‌ای را از آسیب‌های احتمالی و انحراف از پژوهش میان‌رشته‌ای بازمی‌دارد. اینک برای کارآمدتر بودن این مدل، در ادامه به تبیین جزئیات هر یک از این مراحل پرداخته شده است.

### فرآیندشناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم با محوریت «شاکله» در آیه ۸۴ سوره اسراء

چنانکه گفته شد فرآیند میان‌رشته‌ای به اتفاق میان‌رشته‌پژوهان دارای دو کلان‌مرحله «ترسیم بینش‌های رشته‌ای» و «تلفیق بینش‌ها» است. در «ترسیم بینش‌های رشته‌ای» تلاش می‌گردد تا با رویکردی کل‌نگر به ترسیم جایگاه رشته مطالعات قرآنی در نسبت با دیگر رشته‌ها پرداخته و از این طریق نیز به تبیین کیفیت ارتباط این رشته با رشته‌های دیگر پرداخته شود. اما مرحله «تلفیق بینش‌ها» نیازمند ارائه نمونه‌های عینی‌تر و ملموس‌تری است. مقوله «شاکله» در آیه ۸۴ سوره اسراء نیز یکی از مفاهیم اساسی و کاربردی است که ظرفیت خوبی جهت طرح مباحث و مجادلات میان‌رشته‌ای را داراست. به همین جهت در مقاله حاضر سعی شده با مد نظر داشتن اختلاف‌های موجود پیرامون این واژه و با استفاده از «فرآیند میان‌رشته‌ای»، ابتدا به استخراج این مناقشات و سپس رفع آن‌ها و ایجاد ادراک جامع پیرامون آن دست یازیم.

#### ۱. ترسیم بینش‌های رشته‌ای

میان‌رشته‌ای، نخست دیدگاه‌های رشته‌ای<sup>۱</sup> را استخراج می‌کند و سپس این دیدگاه‌ها را از طریق ساخت

۱. Disciplinary perspectives.

یک دیدگاه جامع‌تر تلفیق می‌کند (Klein and Newell, 1997, p 393-394). اگر رشته‌ها در کنار همدیگر قرار بگیرند اما تلفیق و ترکیب عقاید و روش‌ها صورت نپذیرد، میان‌رشته‌گی صحیحی صورت نپذیرفته است (National Academy of Sciences, 2005, p 27). از این رو در ادامه در قالب سه مرحله به تبیین «بینش‌های رشته‌ای» پرداخته شده است: الف. شناسایی پرسش، مسأله یا موضوع میان‌رشته‌ای؛ ب. شناسایی رشته‌ها، روش‌ها، نظریات و پدیده‌های مرتبط با پرسش، مسأله یا موضوع اصلی؛ ج. زمینه‌مندسازی مسأله مورد نظر در رشته‌های مرتبط و ایجاد بینش‌های مرتبط با مسأله.

### مرحله اول: شناسایی مسأله یا موضوع میان‌رشته‌ای قرآنی

اولین گام برای ترسیم بینش‌های رشته‌ای، شناسایی پرسش، مسأله یا موضوع میان‌رشته‌ای است؛ مرحله‌ای که به اتفاق، میان‌رشته‌پژوهان آن را اولین گام در فرآیند میان‌رشته‌ای دانسته‌اند (Klein, 1990, p 123; Repko, 2006, p 123; Newell, 2007, p 248; Szostak, 2002, p 105; 188-189).

دقت در تعریف میان‌رشته‌ای به خوبی می‌تواند ویژگی‌های پدیده محوری پژوهش میان‌رشته‌ای را مشخص کند. میان‌رشته‌گی عبارت است از فرآیند پاسخ دادن به یک سؤال، حل یک مسأله، یا مواجهه با یک موضوع که به اندازه‌ای گسترده و پیچیده است که نتوان با یک رشته و یا تخصص بدان پرداخت (Klein and Newell, ibid). «پیچیدگی»، از کلیدی‌ترین ویژگی‌هایی است که در این تعریف به آن تصریح شده و غالب محققان نیز این ویژگی را برای پدیده محوری پژوهش میان‌رشته‌ای ضروری می‌دانند (See: Kline, 2001, p 43; Newell, 2001, p 1). مسأله میان‌رشته‌ای به نوعی است که برای حل آن دو رشته یا بیشتر از آن، بینش‌های مهمی در ارتباط با آن ارائه کرده باشند (National Academy of Sciences, 2005, p 30-35) یا اینکه مسأله مورد نظر در فصل مشترک رشته‌های مختلف قرار گرفته باشد، همچنین (در ارتباط با پژوهش‌های کاربردی) مسأله مورد نظر پیرامون یک نیاز یا موضوع اجتماعی حل نشده باشد (ibid). پژوهش‌گران مطالعات قرآنی می‌توانند با انتخاب پرسش اصلی خود از یکی از حیطه‌های پژوهشی که سرشتی میان‌رشته‌ای دارند، پرسشی میان‌رشته‌ای را سامان دهند.

باید توجه داشت که شناسایی درست مسائل و موضوعاتی که اقتضای پژوهش میان‌رشته‌ای را داشته، بسیار ضروری و با اهمیت است، چه پژوهشگر به خاطر عدم شناسایی ابعاد میان‌رشته‌ای مسأله، به تحویل‌انگاری<sup>۱</sup> آن به یک رشته خاص دچار می‌شود.

مفهوم «شاکله» در قرآن کریم به مثابه مصداقی از موضوعات پیچیده، نیازمند در نظر گرفتن رویکردی میان‌رشته‌ای است. به عبارت دیگر، منشأ‌کنش انسانی، که درون‌مایه اصلی انگاره شاکله محسوب

۱. Reductionism.

می‌شود، موضوعی است که فهم آن نیازمند در نظر داشتن وجوه مختلفی است. نگاهی یک‌وجهی به این موضوع چندتباری باعث فروکاستن آن به یک از این وجوه خواهد شد. به نظر می‌رسد که همین سرشت پیچیده شاکله موجب شده که مفسران در طول تاریخ تفسیر با اختلاف زیادی در فهم این انگاره مواجه باشند. در ادامه به بیان نظرات مختلف مزبور اشاره شده است. دقت در این نظرات وجوه و تبارهای مختلف شاکله انسانی را به خوبی نمایان می‌سازد. باید توجه داشت که مفهوم شاکله، نمونه خوبی برای مسأله‌ای میان‌رشته‌ای در قرآن کریم و علاقه‌مندان به میان‌رشته‌گی قرآنی است، چه ایشان را قادر می‌سازد تا بتوانند به شکلی مشابه به کشف موضوعاتی میان‌رشته‌ای در قرآن کریم دست یابند.

**معنای «شاکله» در سنت تفسیری:** واژه «شاکله» تنها یکبار در آیه ۸۴ سوره اسراء آمده است: «قل کُلُّ یَعْمَلُ عَلٰی شَاکِلَتِهٖ». آیه شاکله در این سیاق در صدد بیان علت واکنش آدمی در برابر نعمت و شر و بیان علت نقش شفادهی قرآن در مومنان و خسارت در ظالمان است، که در دو آیه قبل از آن بیان شده است. آراء تفسیری در معنای «شاکله» با یکدیگر اختلاف دارند تا جایی که حداقل ۱۴ نظر را در تفسیر این واژه می‌توان یافت. در ادامه معانی یاد شده به همراه منابع آن آمده است.

ردیف	معنای شاکله	معنای آیه	منبع
۱	اشتباه	هرکسی بر اساس اشتباهی که می‌کند عمل می‌کند	ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۱۳۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۸۲، ج ۱۲، ص ۲۸۲
۲	توان و طاقت	هرکسی بر اساس توان و طاقت خود عمل می‌کند.	کاشفی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۶۲۸؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۵، ص ۳۳۱
۳	علامت	هرکسی بر وفق دلالت و علامتی که از ادله و امارات برای وی نصب شده و به وسیله آن راهنمایی شده است، عمل می‌کند.	سیدرضی، بی تا، ص ۲۰۴
۴	سرنوشت الهی	شاکله در این معنا آن چیزی است که خداوند در سرّ خود آن را تقسیم کرده است و به هرکس هرچه قسمت	سلمی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۱۹

	بود، داده است. به نظر می‌رسد که چنین معنایی موهم جبر است.		
۵	هر کس بر اساس دین خود عمل می‌کند.	دین	طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۵، ص ۱۰۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۱۳۰؛ ابوالفتح رازی، ۱۳۸۲، ج ۱۲، ص ۲۸۲؛ ابن عطیه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۸؛ ابوحیان غرناطی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۱۰۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱۰۴
۶	شاکله یعنی عادت‌تی که فرد بر آن الفت می‌گیرد.	عادت	طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۵۱۴؛ جرجانی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۳۳۵؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۹۶
۷	هر کس بر اساس حالت خود عمل می‌کند.	حالت	مجلسی، بی تا، ص ۴۷
۸	هر کسی بر اساس آن چه در او ملکه و عادت شده است عمل می‌کند.	ملکه	جرجانی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۳۳۵؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۹۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۳۶۲
۹	هر کس بر اساس طبیعت خود عمل می‌کند.	طبیعت	فراء، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۸؛ سمرقندی، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۶۷؛ قشیری، بی تا، ج ۲، ص ۳۶۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۴۸۱؛ ابن عطیه، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۶۷۳
۱۰	هر کس بر اساس طریقت خود عمل می‌کند.	طریقت	فراء، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۸؛ طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۵۱۴؛ سیدرضی، بی

<p>تا، ص ۲۰۴؛ طبرسی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۴۳؛ زمخشری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۶۹؛ جرجانی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۳۳۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۳۶۵؛ کاشفی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۶۲۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۴۳</p>			
<p>فراء، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۸؛ سمرقندی، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۱۳۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۸۲، ج ۱۲، ص ۲۸۲؛ ابن عطیه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۸۱؛ ابوحیان غرناطی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۱۰۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۴۹۴؛ سیوطی، ۱۹۹۳، ج ۴، ص ۱۹۹؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۶؛ لاهیجی، ۸۴۴/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۵۸۱؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۲، ص ۷۲۹؛ عروسی حویزی، ۴۱۸-۴۲۰؛ قمی مشهدی، ۴۹۹/۴ و ۵۰۰؛ گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۴۵۳؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۱۱، صادقی تهرانی، ۳۵/۱۷</p>	<p>هر کس بر اساس نیت خود عمل می کند.</p>	<p>نیت</p>	<p>۱۱</p>
<p>طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۷۳؛ الجواهر الثمین، ۴۴/۴</p>	<p>هر کس بر اساس آنچه درست و حق می نماید، عمل می کند.</p>	<p>آنچه درست و حق می نماید</p>	<p>۱۲</p>
<p>قشیری، بی تا، ج ۲، ص ۳۶۷</p>	<p>هر کس بر اساس باطن خود عمل</p>	<p>باطن</p>	<p>۱۳</p>

	می‌کند.		
۱۴	هر کس بر اساس حالات برخاسته از مزاج بدنی‌اش عمل می‌کند.	حالات متابع مزاج بدنی	بیضاوی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۳۶۵؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قمی مشهدی؛ تفسیر خسروی، میرزا خسروانی

در تفاسیری که شاکله به مواردی چون: «توان و طاقت»، «عادت»، «نیت» و ... تعبیر شده است، برای شاکله منشأی درونی مفروض دانسته شده است. اما در برخی دیگر از تفاسیر که شاکله به «سرنوشت الهی»، «علامت»، «دین» و ... تفسیر شده است، برای آن منشأ بیرون از خود انسانی در نظر گرفته شده است. اما برخی از تفاسیر نیز نسبت به درونی یا بیرونی بودن شاکله ساکت هستند و می‌توانند متأثر از هر کدام از آن‌ها باشند. تفاسیری چون «طبیعت» و «ناحیه» از این قبیل محسوب می‌شوند. فارغ از این نزاع که به مباحث روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی مربوط می‌شود، در برخی از تفاسیر پای مباحث فلسفی نیز به میان کشیده می‌شود (مانند معنای ملکه). باید توجه داشت این بحث که افعال انسانی توسط خود انسانی صورت می‌پذیرند و یا توسط عوامل بیرونی و اجتماعی شکل می‌یابند، بحثی دامنه‌دار در علمی چون روان‌شناسی و جامعه‌شناسی نیز بوده است.

ابهامات یاد شده در ارتباط با مفهوم شاکله، به نوعی این مفهوم را دچار پیچیدگی خاصی کرده است، از این رو یک پژوهش میان‌رشته‌ای پیرامون این واژه می‌تواند بسیاری از این منازعات را حل و فصل کرده و گستره معنایی قابل ملاحظه‌ای را برای آن تبیین کند.

#### مرحله دوم: شناسایی رشته‌ها، روش‌ها، نظریات و پدیده‌های مرتبط با موضوع اصلی

مرحله دوم در صدد تعیین و کشف رشته‌ها، روش‌ها، نظریات و پدیده‌هایی است که با مسأله میان‌رشته‌ای (مقوله شاکله) مرتبط هستند (Newell, 2006, p 250). برای دست‌یابی به رشته‌های مرتبط، پژوهشگر ابتدا باید لیستی از تمام پدیده‌هایی که امکان تأثیرگذاری در مسأله مورد نظر را دارند، تهیه کرده و در میان آن‌ها به شناسایی پدیده‌های کلیدی و همچنین پدیده‌های فرعی درگیر در مسأله پژوهش مبادرت نماید (Szostak, 2002, p 106). سپس با توجه به منظری که کلان‌رشته‌های مختلف، اعم از علوم طبیعی، علوم اجتماعی و علوم انسانی، نسبت به مطالعات قرآنی دارند، به بازشناسی کلان‌رشته‌های مرتبط پردازد و بعد از آگاهی از عناصر رشته‌های مختلف زیر مجموعه آن سه کلان‌رشته، به شناسایی رشته‌های اصلی دخیل در مسأله مورد نظر دست یابد.

اگرچه دسته‌بندی کلان رشته‌ها و عناصر اصلی رشته‌های زیرمجموعه آن سه کلان رشته به همراه

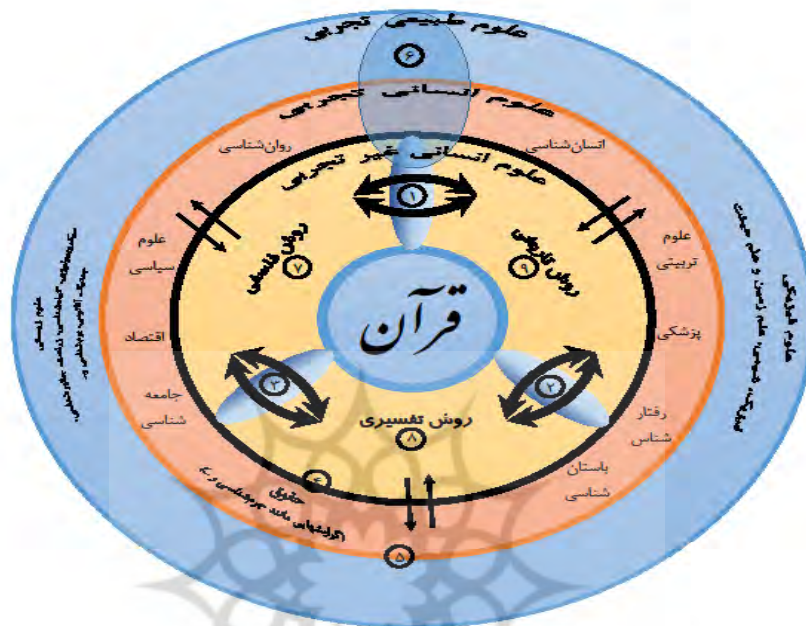
نمونه‌هایی از پدیده‌های آن توسط میان‌رشته‌پژوهان صورت پذیرفته است (ریپکو، ۱۴۳)، اما در جستار پیش رو، این سه کلان‌رشته به شکلی دیگر تقسیم‌بندی شده‌اند.

تقسیم‌بندی صورت گرفته در این مقاله بر اساس دو معیار موضوع و روش است. با این توضیح که علوم از جهت موضوع به علوم انسانی و علوم طبیعی از یکدیگر متمایز می‌شوند. اما از جهت روش به علوم تجربی و غیر تجربی تقسیم می‌شوند. علوم تجربی، علمی هستند که از روش تجربی برای موجه‌سازی نظریاتشان استفاده می‌کنند. این درحالی است که علوم غیر تجربی از روشی غیر از تجربه برای موجه‌سازی نظریاتشان بهره می‌برند. روش‌های غیر تجربی عبارت‌اند از: روش تفسیری، روش فلسفی و روش تاریخی. بنابراین با توجه به موضوع و روش می‌توان علوم را در سه دسته مستقل تقسیم کرد: علوم انسانی غیر تجربی، علوم انسانی تجربی و علوم طبیعی.

این تقسیم‌بندی از آن جهت دارای اهمیت است که در رشته‌های مختلف، دو جنبه موضوع و روش هر یک از علوم مشخص می‌گردد. همین امر نیز موجب می‌شود وقتی این رشته‌ها به نسبت مطالعات قرآنی مد نظر قرار می‌گیرند، راحت‌تر می‌توان میزان نزدیکی و دوری آن‌ها را نسبت به رشته مورد نظر سنجید. به عنوان مثال، علم فیزیک با توجه به اینکه موضوع آن طبیعت است و روش مورد استفاده آن نیز روش تجربی است، در دورترین حالت ممکن نسبت به مطالعات قرآنی قرار دارد. در مقابل زبان‌شناسی به دلیل اینکه موضوع آن در ارتباط با انسان است و روش آن نیز غیر تجربی است، در نزدیک‌ترین ارتباط با مطالعات قرآنی قرار می‌گیرد. اما رشته‌ای همچون جامعه‌شناسی حد وسط این دو رشته قرار دارد؛ زیرا موضوع آن انسان است اما روش مورد استفاده در آن در غالب موارد روش تجربی است. با ترسیم منظومه‌ای که بتوان به وسیله آن وضعیت غالب رشته‌ها را به همین شکل با مطالعات قرآنی مشخص کرد، بهتر می‌توان رشته‌های مرتبط با مسأله میان‌رشته‌ای مورد نظر را پیدا کرد. شکل شماره ۱ به خوبی نمایشگر کیفیت ارتباط قرآن کریم با کلان‌رشته‌ها و رشته‌های زیرمجموعه آن است.

این طرح‌واره تصویری به خوبی جایگاه قرآن در منظومه علوم را به نمایش می‌گذارد. بر این اساس، سه حلقه از علوم را پیرامون قرآن می‌توان ترسیم کرد. علوم انسانی غیر تجربی در نزدیک‌ترین دسته از علوم به قرآن کریم قرار می‌گیرد و علوم انسانی تجربی و علوم طبیعی تجربی نیز در مراتب بعدی قرار دارند. اهم علوم مورد نظر در هر حلقه نیز در نمودار مورد نظر قرار گرفته است. همچنین ارتباط میان علوم نیز با علامت‌های مخصوص مشخص شده‌اند. نسبت‌سنجی کیفیت ارتباط میان قرآن و علوم دیگر از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.





- ۱- علوم میان رشته‌ای میان روش تاریخی و فلسفی
- ۲- علوم میان رشته‌ای میان روش تاریخی و تفسیری
- ۳- علوم میان رشته‌ای میان روش تفسیری و فلسفی
- ۴- علوم میان رشته‌ای میان علوم انسانی غیر تجربی و علوم انسانی تجربی
- ۵- علوم میان رشته‌ای میان علوم انسانی غیر تجربی و طبیعی تجربی
- ۶- هوش مصنوعی نمونه‌ای از علوم میان رشته‌ای میان هر سه حلقه
- ۷- علوم زیرمجموعه روش فلسفی: فلسفه (یا متافیزیک)، معرفت‌شناسی و فلسفه منطقی، فلسفه‌های مضامین
- ۸- علوم زیرمجموعه روش تفسیری: هرمنوتیک، زبان‌شناسی، معناشناسی، نشانه‌شناسی و نظریه ادبی
- ۹- علوم زیرمجموعه روش تاریخی: ۱- تاریخ و زیر مجموعه‌های آن مانند تاریخ فلسفه، تاریخ دین، تاریخ تاریخ و ... ۲- لغت، علوم مختلفی که ذیل این علم قرار میگیرند عبارتند از: قیلولوژی، ریشه‌شناسی، واج‌شناسی یا علم الحروف، ریخت‌شناسی و نحو‌شناسی، واژه‌شناسی یا لغت‌شناسی

شکل شماره ۱: کیفیت ارتباط قرآن کریم با کلان‌رشته‌ها و رشته‌های زیرمجموعه آن<sup>۱</sup>

۱. برخی علوم میان‌رشته‌ای درون حلقه اول: زبان‌شناسی تاریخی، هرمنوتیک تاریخی، هرمنوتیک فلسفی و ...؛ برخی علوم میان‌رشته‌ای درون حلقه دوم: انسان‌شناسی سیاسی، اقتصاد رفتاری، جامعه‌شناسی اقتصاد، جرم‌شناسی فرهنگی و ...؛ برخی علوم میان‌رشته‌ای درون حلقه سوم: بیوتکنولوژی، زیست‌بوم‌شناسی، اختر فیزیک، ژئوفیزیک، اختر شیمی و ...؛ برخی علوم میان‌رشته‌ای میان حلقه اول و دوم: روان‌شناسی دین، جامعه‌شناسی فلسفه، زبان‌شناسی شناختی، ...؛ برخی علوم میان‌رشته‌ای میان حلقه دوم و سوم: بوم‌شناسی سیاسی، کردارشناسی جانوری و ...؛ برخی علوم میان‌رشته‌ای میان حلقه اول و دوم و سوم: هوش مصنوعی، علم توسعه پایدار، مطالعات منطقه‌ای و ...

نسبت‌سنجی ارتباط قرآن با دیگر علوم؛ شناسایی رشته‌های مرتبط: با توجه به دورکن اصلی که تا کنون برای گونه‌شناسی علوم مد نظر قرار گرفت، می‌توان مولفه‌های اصلی و مورد توجه قرآن را نیز بیان نمود. «موضوع» و «روش استدلال و موجه‌سازی نظریات» دو مؤلفه اصلی برای گونه‌شناسی علوم به شمار می‌روند. از جهت موضوع، «انسان» اصلی‌ترین مولفه‌ای محسوب می‌شود که در قرآن کریم بدان تصریح شده است. بنابراین «طبیعت» و موارد مرتبط با آن در مرتبه بعدی قرار می‌گیرند. اما در ارتباط با «روش استدلال» نیز واضح است که روش غیر تجربی در قرآن کریم بر روش تجربی اولویت دارد. اما در میان سه روش موجود در روش غیر تجربی نیز باید اذعان نمود که متن‌بودگی<sup>۱</sup> قرآن مستلزم آن است تا روش تفسیری و علوم مرتبط با آن، ارتباط وثیق و مستحکمی با قرآن داشته باشند. اما علوم مرتبط با «روش تاریخی»<sup>۲</sup>، با توجه به وابستگی زیادشان به «روش تفسیری» در مرتبه بعد قرار می‌گیرند؛ «روش فلسفی» نیز با توجه به کاربرد کمتر و غیر مستقیم آن در مباحث قرآنی باید در جایگاه سوم قرارگیرد (برای مطالعه تفصیلی در ارتباط با علوم مرتبط با این روش‌ها ر.ک: درزی و همکاران، ۱۳۹۲).

با توجه به آنچه در ارتباط با نسبت گونه‌های مختلف علوم با قرآن کریم بیان شد، اگر به شکل تلفیقی، این علوم را مد نظر قرار دهیم چیش پیش رو را باید در نظر گرفت: الف. علوم انسانی غیر تجربی؛ ب. علوم انسانی تجربی و ج. علوم طبیعی تجربی. در نتیجه اگر قرآن کریم محور و مرکز توجه قرار گیرد، اولین و نزدیک‌ترین حلقه‌ای که پیرامون آن را فرا می‌گیرد، علوم انسانی غیر تجربی خواهد بود. دومین حلقه پس از آن علوم انسان تجربی و آخرین و دورترین حلقه نیز علوم طبیعی تجربی خواهد بود. میزان فاصله این حلقه‌ها نسبت به مرکز، معنادار است. به این معنا که هر چقدر این فاصله بیشتر باشد، تجانس و هم‌سنجی آن‌ها نیز کمتر شده و در نتیجه امکان برقراری ارتباط با مرکز نیز سخت‌تر و پیچیده‌تر خواهد شد. اما هر چقدر فاصله کمتر باشد، تجانس و هم‌سنجی با مرکز بیشتر بوده و امکان برقراری ارتباط نیز راحت‌تر خواهد بود.

در اینجا شناسایی رشته‌های مرتبط، حالتی بسیط و خطی دارد. به عبارت دیگر هنگام تعامل قرآن با تک‌رشته‌ها به راحتی با استفاده از این طرحواره می‌توان رشته‌های مرتبط و کیفیت ارتباط آن تک رشته با مطالعات قرآنی را دریافت. در ارتباط با مسأله «شاکله» در قرآن کریم، پس از استخراج تمامی مولفه‌های اصلی در «شاکله» از یک سو و مراجعه به طرح‌واره تصویری مورد نظر از سوی دیگر، مشخص می‌شود که علاوه بر مطالعات قرآنی، دو رشته جامعه‌شناسی، روان‌شناسی نیز از حلقه دوم او را یاری خواهند رساند.

۱ Textuality.

۲. «روش تاریخی» با روش تفسیری ارتباط وثیقی دارد. از این رو فهم گزاره‌های تاریخی کاملاً منوط به در نظر داشتن روش‌های مختلف تفسیری است. بنابراین روش تفسیری را می‌توان پیشینه‌ای برای روش تاریخی به حساب آورد.

این طرحواره در بخش تلفیق نیز می‌تواند کمک خوبی در فهم روش‌های درگیر در پژوهش میان‌رشته‌ای داشته باشند.

طرح‌واره بالا نشانگر آن است که در بسیاری موارد با حالات پیچیده، ترکیبی و شبکه‌ای مواجه خواهیم بود. این حالت زمانی رخ می‌دهد که مطالعات قرآنی با میان‌رشته‌ها تعامل برقرار می‌کند. میان‌رشته‌ها، رشته‌هایی هستند که از دو یا چند رشته تشکیل شده‌اند. این طرحواره به خوبی پهنه جغرافیای این میان‌رشته‌ها را به نمایش گذاشته و پژوهشگر را در شناسایی جنبه‌های مختلف آن‌ها یاری می‌کند.

در صورتی که مفاهیم کلیدی مسأله میان‌رشته‌ای که پژوهشگر قرآنی می‌خواهد به آن پردازد ناظر به یکی از این رشته‌ها باشد، طرحواره تصویری مورد نظر به پژوهشگر قرآنی کمک می‌کند تا جنبه‌های مختلف آن، پراکندگی جغرافیایی آن در میان علوم، و همچنین تفاوت‌های روشی و موضوعی مندرج در آن را نیز شناسایی کند. بنابراین طرحواره تصویری پیشنهادی می‌تواند کمک خوبی در تعیین رشته‌های مرتبط با مسأله و همچنین اجزاء اصلی درگیر در پژوهش ارائه نماید.

گام بعدی پس از شناسایی رشته‌های مرتبط با مسأله مورد نظر، محدود کردن رشته‌های بالقوه مرتبط با مسأله به رشته‌هایی است که بیشترین ارتباط را دارند (رپکو، ۲۸۵). این رشته‌ها اغلب سه یا چهار رشته خواهند بود که رابطه کاملاً مستقیمی با مسأله دارند و بیشترین میزان تحقیقات روی آن‌ها صورت گرفته و متقاعدکننده‌ترین نظریه‌ها برای شرح آن‌ها ارائه شده است (همان). پس از انتخاب این رشته‌ها، نوبت به بررسی مطالعات پیشین در ارتباط با مسأله مورد نظر می‌رسد. هدف اصلی از چنین مطالعه‌ای شناسایی مفاهیم، فرضیات، نظریه‌ها، روش‌ها و داده‌های مورد استفاده توسط پژوهشگران هر رشته، در خصوص مسأله مورد نظر است (همان، ۲۹۸).

البته توجه به این نکته ضروری است که پژوهشگر نباید آن قدر درگیر مطالعات یک رشته شود که دیدگاه‌ها موجود در آن رشته، درک او را شکل دهد (همان، ۳۰۰). رشته‌های مورد نظر جهت بررسی «عوامل اصلی تشکیل دهنده شاکله» مطالعات قرآنی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی هستند. پژوهشگر در بررسی مطالعات پیشین در هر یک از این رشته‌ها نباید به قدری فرو رود که دیدگاه آن رشته، ادراک او را پیرامون شاکله تشکیل دهد. روان‌شناسی می‌تواند او را به سمتی سوق دهد که شاکله توسط عوامل روانی شکل گرفته است؛ جامعه‌شناسی، عوامل اجتماعی را تأثیرگذارتر در شاکله می‌داند و مطالعات قرآنی نیز مفهوم جبر و اختیار را در این ارتباط مطرح می‌کند. تلفیق این بینش‌ها مهارتی است که در مراحل بعد پژوهشگر بدان می‌پردازد. در این مرحله تنها باید به شناسایی این مفاهیم و نظریات پردازد.

پرسش اساسی در ادامه ناظر به میزان مطالعات در هر رشته است. در این ارتباط، میان کفایت<sup>۱</sup> و تسلط<sup>۲</sup> تمایز تعیین کننده‌ای وجود دارد (Klein, 1996, p 212). تسلط، بیانگر احاطه کامل به یک رشته است؛ این در حالی است که کفایت، ناظر بر پژوهش میان‌رشته‌ای در حال انجام است (ibid). در حقیقت، کفایت به یادگیری یک رشته برای کاربردی آن اشاره دارد اما تسلط، به ادراک جهان‌نگری آن رشته ناظر است (ibid). آنچه که برای پژوهشگر میان‌رشته‌ای ضرورت دارد، کفایت است و نه تسلط. پژوهشگر باید با استفاده از نظریات و مفاهیم پایه و کلیدی از هر رشته، درک روشنی از صورت مسأله بیابد (Newell, 2007, p 253). پس باید توجه داشت که این امر ضرورتی ندارد که برای بررسی مقوله «شاکله» پژوهشگر به شکل کامل به رشته‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تسلط پیدا کند. همین که متوجه شود این رشته‌ها چگونه به این مقوله می‌نگرند و اجزاء تشکیل دهنده نظریات آن‌ها پیرامون شاکله چیست، کفایت می‌کند. او باید به استخراج این مفاهیم کلیدی از رشته‌ها بپردازد. دو گام برای رسیدن به حد کفایت پیشنهاد می‌شود: الف. شناسایی نظریه‌های درون‌رشته‌ای که به شرح مسأله کمک می‌کنند (۳۲۹-۳۳۲)؛ و ب. شناسایی روش‌های رشته‌ای مناسب برای مسأله (۳۳۶-۳۳۷). پژوهشگر در قسمت نخست باید به خوبی به شناسایی نظریات مرتبط با مسأله مورد نظر خود بپردازد. در ارتباط با عوامل اصلی تشکیل دهنده شاکله، این نظریات را در سه بخش اصلی روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات قرآنی می‌توان ارائه کرد.

جدول ۷ شناسایی نظریات مرتبط با مسأله «عوامل اصلی تشکیل دهنده "شاکله"»

رشته‌های مرتبط	نظریات مرتبط
۱- روان‌شناسی	۱-۱- کانون کنترل درونی ۲-۱- کانون کنترل بیرونی
۲- جامعه‌شناسی	۱-۲- نظریه برگرفته از نظرات دورکیم: تأثیر عوامل محیطی بیرونی (همبسته) در کنش‌های فردی؛
۳- مطالعات قرآنی	۲-۲- نظریه برگرفته از نظرات مارکس: تأثیر عوامل محیطی بیرونی (متناقض و متنازع) در کنش‌های فردی؛
پیرامون عوامل اصلی تشکیل دهنده شاکله در	۳-۲- رویکردی تلفیقی (نظریه بوردیو): تعامل درون و بیرون در تحقق افعال انسانی.

۱ Adequacy.

۲ Mastery.

قسمت اول ذکر شده (است)	۳-۱- تأثیر محیط بیرونی در افعال انسانی (چه این عامل بیرونی را خداوند بدانیم و چه محیط اجتماعی بیرونی بدانیم)؛ ۳-۲- استقلال و اختیار افراد در به ظهور رساندن افعال.
---------------------------	---

اما در قسمت دوم، یعنی شناسایی روش‌های رشته‌ای مناسب، می‌توان به ارائه روش‌های مناسب در هر یک از کلان‌رشته‌های علوم طبیعی، علوم اجتماعی و علوم انسانی پرداخت. با توجه به اینکه مطالعات قرآنی زیر رشته علوم انسانی محسوب می‌شود، روش‌هایی که برای علوم انسانی قابل ذکر می‌باشند، عبارت است از: تحلیل متنی (اعم از تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان و...)، علم تفسیر/نمادشناسی، تجربه/بصیرت، طبقه‌بندی (دوره‌های زمانی، مکاتب فکری و...) و تحلیل فرهنگی (همانجا). اما در ارتباط با رشته مطالعات قرآنی مسلماً دو روش «تحلیل متنی» و «تفسیر» در اولویت قرار دارند، پس از این دو، «تحلیل فرهنگی» قرار دارد. «طبقه‌بندی» و «تجربه» نیز در انتهای این اولویت قرار می‌گیرند.

جدول ۸ شناسایی روش‌های مرتبط در ارتباط با مساله عوامل اصلی تشکیل دهنده «شاکله»		
رشته‌های مرتبط	روش‌های تحقیق	احتمال انتخاب و دلیل آن
روان‌شناسی	۱- آزمایش‌ها ۲- تحلیل آماری ۳- نظرسنجی ۴- قوم‌نگاری	۱- احتمالاً. آزمایش افراد می‌تواند به کشف میزان تأثیر روان در افعال کمک کند. ۲- بله. می‌تواند تأثیر زیادی در شناخت ماهیت شاکله داشته باشد.
جامعه‌شناسی	۵- تجربه/بصیرت	۳- خیر. نظرسنجی از افراد برای میزان تأثیر روان آن‌ها در افعالشان می‌تواند گمراه‌کننده باشد.
مطالعات قرآنی	۱- آزمایش‌ها ۲- تحلیل آماری ۳- نظرسنجی ۴- قوم‌نگاری	۴- احتمالاً. تأکیدی که قوم‌نگاری بر فرهنگ‌ها و قوم‌ها دارد موجب می‌شود کمتر در مساله مورد نظر ما راهگشا باشد. ۵- بله. تجربه و کسب بصیرت می‌تواند کمک خوبی به ادراک میزان تأثیر روان در افعال داشته باشد.
		۱- احتمالاً. آزمایش افراد می‌تواند به کشف

<p>میزان تأثیر اجتماع در افعال کمک کند.</p> <p>۲- بله. می تواند تأثیر زیادی در شناخت ماهیت شاکله داشته باشد.</p> <p>۳- خیر. نظرسنجی از افراد برای میزان تأثیر اجتماع در افعال آن ها می تواند گمراه کننده باشد.</p> <p>۴- احتمالاً. تأکیدی که قوم‌نگاری بر فرهنگ‌ها و قوم‌ها دارد موجب می شود کمتر در مساله مورد نظر ما راهگشا باشد.</p> <p>۵- بله. تجربه و کسب بصیرت می تواند کمک خوبی به ادراک میزان تأثیر روان در افعال داشته باشد.</p>	<p>۵- تجربه/ بصیرت</p> <p>۱- تحلیل متنی</p> <p>۲- علم تفسیر</p> <p>۳- تجربه/ بصیرت</p> <p>۴- طبقه‌بندی</p> <p>۵- تحلیل فرهنگی</p>	
<p>۱- بله. بررسی محتوا و گفتمان قرآنی در ارتباط با شاکله از این طریق صورت می‌پذیرد.</p> <p>۲- بله. روش تفسیر از مهم‌ترین ابزارها برای متن قرآن است.</p> <p>۳- خیر. بررسی متن قرآنی نیازی به تجربه ندارد.</p> <p>۴- بله. طبقه‌بندی آراء مفسران نسبت به شاکله می تواند تأثیرگذار باشد.</p> <p>۵- خیر. تحلیل فرهنگی روش کارآمدی در بررسی واژه شاکله در قرآن نمی تواند باشد.</p>		

در روش‌ها مشخص است که در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، دو روش «تحلیل آماری» و «تجربه/ بصیرت» به طور کامل در مسأله مورد نظر امکان پیاده‌سازی دارند. روش «آزمایش» و «قوم‌نگاری» احتمال

پیاپیاده‌سازی دارند، اگرچه در درجه بعد قرار می‌گیرند. اما در مطالعات قرآنی، روش تفسیری و تحلیل متنی در اولویت قرار دارند. روش طبقه‌بندی نیز امکان پیاده‌سازی دارد. باید توجه داشت که پژوهشگر، به جهت فرصت محدودی که دارد، امکان استفاده از همه روش‌ها را ندارد. از این رو نخست باید روش‌ها را استخراج کرده، سپس با توجه به مسأله مورد نظر آن‌ها را اولویت‌بندی کرد و با استفاده از آن‌ها به حدّ کفایت دست یافت. جدول شماره ۸، تحلیلی از روش‌های موجود در ارتباط با رشته‌های مرتبط با مسأله «عوامل اصلی تشکیل دهنده شاکله» را به نمایش گذاشته است.

**مرحله سوم: زمینه‌مندسازی مسأله مورد نظر در رشته‌های مرتبط و ایجاد بینش‌های مرتبط با**

### مسأله

در این مرحله پژوهشگر باید مسأله میان‌رشته‌ای مورد نظر را از دیدگاه رشته‌هایی که شناسایی کرده، مورد بررسی قرار دهد (Newell, 2007, p 255). مشکلی شناختی در این مرحله آن است که پژوهشگر بیش از حد با دیدگاه‌ها و نظرات یک رشته مانوس گشته، دچار تعصب و سوگیری شود (ibid). مراد از «زمینه‌مندسازی» در این مرحله تأکید بر همین نکته است که پژوهشگر باید به بررسی مسأله مورد نظرش در رشته‌های متناسب بپردازد. «زمینه‌مندسازی» را اولین بار نیکیتینا (Nikitina, 2006, p 251-271) مدّ نظر قرار داد (نمونه دیگر ر.ک: درزی و صدریه، ۱۳۹۴، صص ۱۰۳-۱۲۶).

برای چنین کاری باید پس از گذراندن مراحل پیشین و استخراج مولفه‌های اصلی مسأله میان‌رشته‌ای، به بازیابی و بازسازی آن مولفه‌ها در رشته‌های مرتبط با آن مسأله پرداخت. نیکیتینا سه زمینه<sup>۱</sup> را برای زمینه‌مندسازی معرفی می‌کند: تاریخ، فلسفه (ماوراء الطبیعه) و معرفت‌شناسی (ibid, p 252-253).

این مرحله از پژوهش میان‌رشته‌ای دارای اهمیت بسیاری است؛ زیرا از این طریق است که می‌توان فواصل و موانع تاریخی، فلسفی و معرفت‌شناختی میان نظریات علمی و مقولات مورد نظر در مطالعات قرآنی را برطرف کرد. جدول شماره ۹ نیز به بررسی «عوامل اصلی تشکیل دهنده شاکله» در زمینه رشتگی رشته‌هایی چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات قرآنی پرداخته است. البته در این مرحله مقدمات مرحله بعد فراهم می‌شود؛ یعنی امکان شناسایی تعارضات و مناقشات موجود میان رشته‌های مختلف به خوبی فراهم می‌شود.

۱. Context.

جدول ۹ زمینه‌مندسازی دیدگاه‌های رشته‌ای مرتبط با مساله عوامل اصلی تشکیل دهنده

«شاکله»

رشته‌های مرتبط	نظریات مرتبط
روانشناسی	- شاکله همان شخصیت افراد است. مهم‌ترین عنصر تاثیرگذار در شاکله را شخصیت و ابعاد فردی انسان‌ها می‌سازد. البته نظریات معدودی نیز به ابعاد بیرونی تشکیل دهنده شاکله توجه دارند؛
جامعه‌شناسی	- شاکله همان واکنش افراد است در برابر گُش‌های اجتماعی و محیط بیرونی. اما نظریات معدودی نیز تلفیقی از محیط بیرونی و درونی را مد نظر قرار داده‌اند؛
مطالعات قرآنی	- در برخی موارد عوامل بیرونی به عنوان عنصر تشکیل دهنده شاکله معرفی شده‌اند و در برخی موارد نیز عوامل درونی به عنوان عنصر تاثیرگذار در افعال معرفی شده‌اند.

## ۲. تلفیق بینش‌ها

در ابتدای مقاله بیان شد که فرآیند میان‌رشته‌ای مستلزم برداشتن دو گام اساسی است: ترسیم بینش‌های رشته‌ای، و تلفیق این بینش‌ها. میان‌رشته‌پژوهان این دو مرحله را برای دست‌یابی به پژوهش میان‌رشته‌ای ضروری دانسته‌اند ( Klein and Newell, National Academy of Sciences, 2005, p 27; Klein and Newell, 1997, p 393-394).

پژوهشگر برای تلفیق بینش‌های رشته‌ای، پس از اینکه آن بینش‌های مرتبط با مسأله‌اش را ترسیم کرد، باید به شناسایی مناقشات موجود در بینش‌ها مبادرت کند و پس از آن نیز با حل و فصل آن مناقشات، زمینه مشترکی را میان رشته‌های مختلف ایجاد نماید. از طریق همین زمینه مشترک است که امکان تلفیق بینش‌ها و ایجاد درک جامع و میان‌رشته‌ای ایجاد می‌شود. تلفیق از دیدگاه نیویول عبارت است از استفاده از تفکر کل‌نگر در مواجهه با جنبه‌های مختلف یک واقعیت پیچیده از طریق ترکیبی از لنزهای متفاوت رشته‌ای و تشکیل یک کل جدید که بزرگ‌تر از اجزای تشکیل دهنده آن است. کل جدیدی که نمی‌توان آن را به



بینش‌های رشته‌ای مستقل از هم کاهش داد (Newell, 1998, p 55). از دیدگاه نیوویل تلفیق، نیازمند داشتن ذهنی خلاق است تا بتواند از دیدگاه‌های رشته‌ای عبور کند و آن‌ها را به یک دیدگاه کل‌نگر و یک کل پیچیده تبدیل کند (ibid). برای تلفیق بینش‌ها دو مرحله مدّ نظر قرار خواهد گرفت: الف. دست‌یابی به زمینه مشترک، ب. ایجاد درک جامع و آزمون آن.

در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآنی نیز تحقق این دو مرحله برای دست‌یابی به تلفیق بینش‌های رشته‌ای ضروری است. در این قسمت نیز تلاش شده است تا با تأکید بر نمونه قرآنی شاکله، دست‌یابی به تلفیق بینش‌ها تا حد ممکن محقق گردد.

#### مرحله اول: دست‌یابی به زمینه مشترک

تا این مرحله، پژوهشگر مطالعاتی میان‌رشته‌ای توانسته است مولفه‌های اساسی موضوعش را شناسایی کند، رشته‌های مرتبط با مولفه‌های اصلی را نیز بیابد. او پس از دست‌یابی به حدّ کفایت در هر یک از این رشته‌ها توانسته است مسأله مورد نظرش را نیز در هر یک از این رشته‌ها زمینه‌مندسازی کند؛ به عبارت دیگر او توانسته است بینش هر یک از رشته‌ها را پیرامون مسأله مورد نظرش استخراج کند. پس از شناسایی بینش‌های رشته‌ای نوبت به آن می‌رسد که مناقشات و تناقض‌هایی که میان این بینش‌ها وجود دارد به‌خوبی شناسایی شوند. پس از شناسایی این تناقض‌هاست که پژوهشگر باید به حل و فصل این مناقشات پردازد و در صورت رفع حداکثری این مناقشات است که زبان مشترک میان رشته‌های مختلف به دست آمده است. این زبان مشترک مقدمه‌ای است برای ایجاد پیوند میان‌رشته‌ای که در مرحله بعد محقق می‌شود. بنابراین در مرحله چهارم باید شاهد تحقق دو تصمیم از ناحیه میان‌رشته‌پژوه بود: الف. تعیین مناقشات موجود میان بینش‌های رشته‌ای؛ ب. حل و فصل مناقشات از طریق تلاش [جهت دست‌یابی به] زبان مشترک.

#### ۱. تعیین مناقشات رشته‌ای

وجود چالش میان بینش‌های رشته‌های متفاوت امری تعجب‌آور نیست؛ زیرا رشته‌ها منعکس‌کننده مقولات تخصصی زیرمجموعه خود هستند و اصول متفاوت و نامتناسبی را در بر دارند (Newell, 2006, p 256). البته ماهیت و میزان این مناقشات به این بستگی دارد که از علوم طبیعی، علوم اجتماعی و با علوم انسانی استخراج شده باشند (ibid). از آن رو که بینش‌های رشته‌ای عمدتاً از طریق زبان آشکار می‌شوند، چالش‌های موجود در رشته‌ها را نیز باید در واژگان و اصطلاحات<sup>۲</sup> آن‌ها جست (ibid). واژگان و اصطلاحات هر رشته نیز بر مبنای مفروضات همان رشته استوار شده‌اند، بنابراین برای فهمشان باید آن‌ها را

۱. Language.

۲. terminology.

در زمینه همان رشته مدّ نظر قرار داد (ibid). بنابراین ریشه مناقشات موجود در رشته‌ها را باید در مفروضات، مفاهیم و نظریات آن‌ها جستجو کرد (Repko, 2008 p 248-255). بی‌تردید زمینه‌مندی‌سازی که در قسمت پیش به آن اشاره شد، مهم‌ترین وسیله برای شناخت تناقض‌های موجود میان رشته‌های مختلف است.

با توجه به شکل ۱ که در قسمت پیشین نمایش داده شد، کلان‌رشته‌های علوم انسانی غیر تجربی، علوم انسانی تجربی و علوم طبیعی بیشترین اختلاف و تمایز را از جهت مفروضات و نظریات با هم دارند؛ بنابراین بیشترین اختلافات زبانی را نیز باید میان آن‌ها انتظار داشت. اما به نسبت مطالعات قرآنی، هر چه فاصله زیادتر می‌شود، تمایزها بیشتر شده، بنابراین تناقض‌های رشته‌ای نیز افزون می‌گردد. لذا علوم انسانی غیر تجربی کم‌ترین تنش را با مطالعات قرآنی دارند. مشخص است که علوم انسانی غیر تجربی و علوم طبیعی نیز در مراحل بعدی قرار می‌گیرند. بدیهی است که بیشترین اختلاف زبانی میان مطالعات قرآنی و علوم طبیعی وجود دارد. باید توجه داشت که به هر میزان اختلافات و مناقشات میان رشته‌ها بیشتر باشد، دستیابی به زبان مشترک نیز سخت‌تر و پیچیده‌تر خواهد شد. این مطلب ناظر به ارتباط کلی میان مطالعات قرآنی و سه کلان‌رشته دیگر است.

اما درباره ارتباط مطالعات قرآنی با زیر رشته‌های هر یک از این کلان‌رشته‌ها، بحث متفاوت‌تر خواهد بود. این تفاوت مبتنی است بر اینکه آن زیر رشته، یک رشته مستقل باشد و یا رشته‌ای باشد که از چند رشته متفاوت تشکیل شده باشد. اگر رشته‌ای مستقل باشد مانند تاریخ، فلسفه، جامعه‌شناسی، فیزیک و ... همانند همان ارتباط کلی میان مطالعات قرآنی و کلان رشته‌ها با آن‌ها برخورد می‌کنیم؛ یعنی رشته فیزیک چون در حلقه سوم قرار می‌گیرد و فاصله زیادی با مطالعات قرآنی دارد، مناقشات بیشتری هم وجود خواهد داشت و در نتیجه تلفیق سخت‌تر خواهد بود؛ اما رشته تاریخ چون در حلقه اول قرار داشته و کمترین فاصله را با مطالعات قرآنی دارد، منطقاً بیشترین مشترکات و کمترین تنش را نیز خواهد داشت. از این رو تلفیق میان آن‌ها نیز راحت‌تر صورت خواهد پذیرفت.

ولی اگر با رشته‌های ترکیبی<sup>۱</sup> روبرو باشیم، کار بسیار پیچیده‌تر خواهد بود. این رشته‌ها ممکن است از ترکیب رشته‌های داخل در یک حلقه، پدید آمده باشند و ممکن است از ترکیب رشته‌های موجود در حلقه‌های مختلف تشکیل شده باشند. رشته‌هایی همچون «زبان‌شناسی تاریخی» در حلقه اول<sup>۲</sup>، «انسان‌شناسی سیاسی» در حلقه دوم<sup>۳</sup>، و «اختر فیزیک» در حلقه سوم<sup>۱</sup> قرار دارند. ارتباط مطالعات قرآنی

۱. Hybrid.

۲. رشته‌های زبان‌شناسی و تاریخ که این رشته را تشکیل داده‌اند هر دو در حلقه اول قرار دارند.

۳. رشته علوم سیاسی و انسان‌شناسی هر دو در حلقه دوم قرار دارند.

با چنین رشته‌های ترکیبی‌ای همانند ارتباط مطالعات قرآنی با رشته‌های مستقل در این حلقه‌هاست. اما تفاوت‌های ماهوی هر یک از این رشته‌ها با هم موجب می‌شود کیفیت ارتباط کمی پیچیده‌تر از ارتباط با یک رشته باشد. اما رشته‌هایی چون «روان‌شناسی دین» که از رشته‌های حلقه اول و دوم تشکیل شده است<sup>۲</sup>، «کردارشناسی جانوری»<sup>۳</sup> که از رشته‌های حلقه دوم و سوم تشکیل شده است، و «هوش مصنوعی» که از رشته‌های حلقه اول و دوم و سوم تشکیل شده است، بسیار پیچیده خواهند بود. این رشته‌های ترکیبی، در خود مناقشات زیادی را به همراه دارند. ارتباط میان مطالعات قرآنی با این رشته‌ها بسیار پیچیده و کاملاً مسأله‌محور خواهد بود. البته باید توجه داشت که هر چقدر مناقشات میان رشته‌ها بیشتر باشد، کشف آن‌ها نیز راحت‌تر خواهد بود و برعکس، هر چقدر مشترکات بیشتر باشد، کشف مناقشات نیز سخت‌تر خواهد بود و امکان یکسان‌انگاری وجود خواهد داشت.

جدول شماره ۸ و ۹ به خوبی نمایش‌گر مناقشاتی است که میان رشته‌های مختلف وجود دارد. درباره مقوله «شاکله» که در جدول شماره ۹ به آن پرداخته شد، مناقشات کاملاً مشهود است<sup>۴</sup>: روان‌شناسی عمدتاً بر جنبه‌های فردی شاکله و به‌طور خاص بر «شخصیت» متمرکز است؛ جامعه‌شناسی نیز غالباً گرایش‌های بیرونی و اجتماعی را برای افعال فردی مد نظر قرار می‌دهد. اما مطالعات قرآنی در این ارتباط متضمن مناقشه‌ای درونی نیز هست؛ یعنی در گزاره‌های قرآنی هم شاهد تأثیرگذاری کامل عوامل درونی و شخصی هستیم و هم در برخی آیات، عوامل بیرونی به شکل کامل بر افعال انسانی تأثیرگذار هستند. این مناقشات در مراحل بعدی پژوهش میان‌رشته‌ای، با تکنیک‌هایی که پیشنهاد می‌گردند باید حل و فصل شوند تا پژوهشگر موفق به ایجاد ادراک میان‌رشته‌ای گردد. میان‌رشته‌پژوه به وسیله ایجاد زمینه مشترک می‌تواند به این مناقشات پایان دهد.

## ۲. ایجاد یا کشف زمینه مشترک

کلاین این مرحله را هفتمین مرحله از دوازده مرحله مورد نظرش (Kline, 1990, p 189) و نیوییل نیز آن را دهمین مرحله از چهارده مرحله مورد نظر خود برای فرآیند میان‌رشته‌ای معرفی می‌کند (Newell, 2007, p 248). از دیدگاه هر دوی آن‌ها دست‌یابی به زمینه مشترک از طریق برطرف کردن تناقض‌ها و کشمکش‌های رشته‌ای حاصل می‌شود (Kline, ibid; Newell, ibid). باید توجه داشت که هدف از ساخت زمینه مشترک، از بین بردن تنش و چالشی که میان بینش‌های رشته‌های مختلف وجود

۱. رشته کیهان‌شناسی و فیزیک هر دو در حلقه سوم قرار دارند.

۲. دین متعلق به حلقه اول و روان‌شناسی متعلق به حلقه دوم است.

۳. Ethology.

۴. از رشته‌های روانشناسی و بیولوژی ترکیب شده است.

۵. در ابتدای بخش فرآیندشناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم به تفصیل به مناقشات موجود میان مفسران در ارتباط با واژه شاکله پرداخته شد.

دارد، نیست، بلکه هدف، کاهش میزان ناسازگاری میان آنها است (Newell, 2007, p 260). آنچه که در این مرحله سودمندتر است، انعطاف‌پذیری‌ای است که [برای حل مسأله تحقیق و دست‌یابی به ادراک میان‌رشته‌ای] ایجاد می‌شود (ibid). البته باید توجه داشت که میزان تنش و تناقضی که میان‌رشته‌های مختلف و در موضوعات گوناگون می‌تواند وجود داشته باشد، متفاوت است. نیوییل سه حالت را در این ارتباط محتمل دانسته است:

الف. مفاهیم و نظریات هیچ تناقضی با هم نداشته باشند اما اشتراکات میان آنها نیز هنوز مبهم است؛  
ب. مفاهیم و مفروضات دو رشته متفاوت اند اما تناقضی با هم ندارند؛ بنابراین امکان جایگزین کردن آنها با هم وجود دارد؛

ج. مفاهیم و مفروضات دو رشته کاملاً مخالف و متناقض با یکدیگرند (ibid, p 258).  
ساخت زمینه مشترک از طریق تعیین مفاهیم، مفروضات و تئوری‌هایی که بینش‌های رشته‌ای را ایجاد می‌کنند، میسر خواهد شد و تعیین صرف بینش‌های رشته‌ای برای ایجاد زمینه مشترک کافی نیست (Repko, 2008, p 279-280). گذراندن این مرحله و حل و فصل تنش‌های موجود میان رشته‌های مختلف از اهمیت زیادی برخوردار است و ایجاد ادراک تلفیقی و جامع از رشته‌ها به آن وابسته است.  
**تکنیک‌های ایجاد زمینه مشترک:** نظریه پردازان مطالعات میان‌رشته‌ای تکنیک‌هایی را برای دست‌یابی به زمینه مشترک و حل و فصل مناقشات موجود میان بینش‌های رشته‌ای بیان کرده‌اند. نیوییل چهار تکنیک را مطرح کرده است (Newell, 2007, p 258-260). این چهار تکنیک عبارت‌اند از بازتعریف<sup>۱</sup>، تعمیم<sup>۲</sup>، سازماندهی<sup>۳</sup> و تبدیل<sup>۴</sup> (ibid). رپکو نیز تکنیک بسط نظریه<sup>۵</sup> را به تکنیک‌های نیوییل افزوده است (Repko, 2008, p 281). اینک به شرح مختصر این ۵ تکنیک می‌پردازیم و در ادامه نسبت هر یک با مفهوم شاکله مورد بحث و قرار خواهد گرفت.

**الف. بازتعریف:** به آشکارسازی مشترکات مفاهیم و مفروضاتی می‌پردازد که در زبان خاص یک رشته دارای ابهام هستند. این تکنیک، چه مفاهیم و مفروضات رشته‌ای با هم تناقض داشته باشند یا خیر قابل استفاده خواهد بود (Newell, ibid). در ارتباط با نظریات مختلفی که پیرامون «شاکله» وجود داشت، با توجه به اینکه این نظریات تناقض جدی‌ای با یکدیگر داشتند، استفاده از تکنیک بازتعریف چندان توصیه نمی‌شود.

۱. Redefinition.

۲. Extension.

۳. Organization.

۴. Transformation.

۵. Theory Expansion.

ب. **تعمیم:** این تکنیک به تناقض‌های موجود در مفاهیم یا مفروضات رشته‌ای ناظر است و از طریق توسعه معنایی ایده‌ای خارج از یک حوزه رشته‌ای به حوزه رشته‌ای دیگر، آن تناقض‌ها را از بین می‌برد (ibid, 258). زوستاک معتقد است که این تکنیک زمانی می‌تواند به بهترین شکل ممکن کار کند که بینش‌های متفاوت مکمل یکدیگر باشند (See: Szostak, 2015). با این تعریف مشخص می‌شود که تکنیک تعمیم را می‌توان در مسأله «شاکله» به کار برد. دلیل آن هم این است که نظرات مختلفی که پیرامون شاکله وجود داشت، به خوبی می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. درونی یا بیرونی بودن شاکله کاملاً مکمل یکدیگرند و مفهوم آن را می‌توان به شکلی توسعه داد که هر دو را در بر بگیرد.

ج. **سازماندهی:** پژوهشگر با این تکنیک علاوه بر شناسایی اشتراکات پنهان موجود در معنای مفاهیم و مفروضات رشته‌ای متمایز و بازتعریف آن‌ها بر این اساس، به سازماندهی و طبقه‌بندی و مرتب‌سازی مفاهیم و مفروضات بازتعریف شده نیز می‌پردازد. این سازماندهی به منظور استخراج ارتباط میان آن‌ها صورت می‌پذیرد (Newell, 2007, p 259). بر این اساس، در ارتباط با «شاکله» می‌توان طیفی را ترسیم کرد که از کنش‌های درونی آغاز می‌شود و به کنش‌های بیرونی می‌انجامد. در میان این زنجیره نیز مواردی قرار می‌گیرند که حدّ وسط درون و بیرون است. لذا روان‌شناسی در ابتدای طیف و جامعه‌شناسی در انتهای آن قرار می‌گیرد. مطالعات قرآنی نیز به جهت اینکه حدّ وسط درون و بیرون را مدّ نظر قرار داده است در وسط طیف قرار می‌گیرد. بر این اساس با توجه به نمونه‌های مختلف باید مشخص کرد که آن‌ها را کجای این طیف باید قرار داد. درزی و همکاران (۱۳۹۲) توانسته‌اند تمامی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم را در طیفی از مطالعات، سازماندهی نمایند. این سازماندهی می‌تواند در درک ارتباطات رشته‌های مختلف پیرامون مطالعات قرآنی بسیار راهگشا باشد.

د. **تبدیل:** برای مفاهیمی دو گانه به کار می‌رود که با هم متناقض هستند. مفاهیمی همچون: عقلانیت<sup>۱</sup> و نابخردی<sup>۲</sup>. بوسیله این تکنیک می‌توان این مفاهیم متناقض را به متغیرهایی پیوسته تبدیل کرد؛ یعنی به جای اینکه میان آن‌ها ارتباط از نوع «این یا آن» باشد، ارتباط «هر دو/ و» برقرار شود (Newell, 2007, p 259). مفهوم شاکله با این تکنیک نیز قابل بررسی است: «درونی بودن شاکله در مقابله بیرونی بودن آن». عمدتاً این مفاهیم، دوگانه در نظر گرفته می‌شوند و انتخاب یکی از آن‌ها پیشنهاد می‌شود؛ در صورتی که می‌توان درجات و متغیرهای مختلفی را برای آن‌ها در نظر گرفت و بر این اساس نیز انتخاب صورت پذیرد. با توجه به اینکه از نظر مفروضات رشته‌ای، عمدتاً تناقضی جدی میان علوم انسانی و علوم تجربی در نظر می‌گیرند، یکی از راه‌های مهم برای غلبه به این چالش، تبدیل این تناقض به متغیری پیوسته

۱. Rationality.

۲. Irrationality.

است. شکل شماره ۱ ارتباط علوم انسانی با تجربی را به همین شکل به نمایش می‌گذارد. هر چقدر به میزان تجربی بودن روش افزوده شود، به علوم تجربی بیشتر نزدیک می‌شویم و هر چقدر نیز که موضوع از انسان فاصله می‌گیرد از علوم انسانی دورتر می‌گردیم. با این دیدگاه دیگر تصوّر اینکه این مسأله در حوزه علوم انسانی قرار می‌گیرد یا علوم تجربی منتفی خواهد بود. به میزانی که با موضوع انسان و یا روش‌های غیر تجربی مرتبط باشد، در علوم انسانی و هر چقدر به روش تجربی و یا طبیعت نزدیک‌تر باشد، به علوم طبیعی نزدیک‌تر خواهد بود. چالش‌ها میان رشته‌ها در این دیدگاه جدید بسیار کمتر و امکان تعامل آن‌ها با هم بسیار بیشتر است.

هـ. بسط نظریه: عبارت است از اصلاح یک نظریه آن هم به شکلی که بتواند تمامی عوامل علی دخیل در مسأله را در بر بگیرد (Repko, 2008, p 281). در این تکنیک، پس از جمع‌آوری تمامی نظریات پیرامون مسأله مورد نظر و استخراج عوامل اصلی این نظریات، آن نظریه‌ای که بیشترین عوامل را در خود جای داده است، شناسایی و با توسعه آن به عواملی که متضمن آن نیست، آن را اصلاح می‌کنیم (Repko, 2007, p 17-18). در این صورت با نظریه اصلاح شده‌ای روبرو خواهیم بود که تمامی عوامل دخیل در مسأله را داراست و می‌تواند درکی میان رشته‌ای از مسأله منتخب پدید آورد.

چنین چیزی در ارتباط با «شاکله» به خوبی امکان‌پذیر است. در جدول شماره ۷ این موضوع تا حدی نشان داده شده است: بورديو در نظریه جامعه‌شناسانه خود، با بسط این نظریه به کنش‌های درونی، زمینه مشترکی را برای ارتباط کنش‌های درونی و بیرونی در تحقق افعال انسانی ایجاد کرده است. این زمینه مشترک می‌تواند در مطالعات قرآنی نیز مورد استفاده قرار بگیرد و گزاره‌های متعددی که ناظر به درونی و یا بیرونی بودن افعال انسانی می‌باشند، تبیین نماید.

با تکنیک‌هایی که تا کنون به آن اشاره شد، پژوهش‌گر می‌تواند راهی برای دست‌یابی به زمینه مشترک و حل و فصل مناقشات رشته‌ای بیابد. گام بعدی تلاش جهت تلفیق دیدگاه‌ها و رسیدن به ادراکی جامع‌تر از همه دیدگاه‌های زیر مجموعه آن است.

#### مرحله دوم: مفهوم‌سازی؛ ایجاد ادراکی جامع و آزمون آن

تا این مرحله پژوهشگر توانسته است تناقض‌های موجود در بینش‌های رشته‌ای را برطرف کرده، به زمینه مشترکی میان آن‌ها دست یابد. از این پس یک گام اساسی دیگر پیش‌روی اوست: ایجاد ادراک جامع و آزمون آن. البته دست‌یابی به این گام مهم، مستلزم استفاده از ابزاری بسیار مهم با عنوان «تلفیق» است. بنابراین در این مرحله پژوهشگر ابتدا باید به تلفیق بینش‌هایی پردازد که پیش از این توانسته است زمینه مشترکی میان آن‌ها برقرار کند و پس از این تلفیق است که هدف و غایت پژوهش میان رشته‌ای محقق می‌شود. این هدف و غایت، دست‌یابی به ادراکی جامع از مسأله یا موضوع میان رشته‌ای در دست پژوهش

است. امری که در ادامه از آن به «مفهوم‌سازی» تعبیر شده است. چه، آنچه به دست می‌آید، مفهوم جدیدی است که پیش از این وجود نداشته است. ادراک میان‌رشته‌ای، تلفیقی منسجم از بیش‌های رشته‌ای است، به‌گونه‌ای که متفاوت از تک‌تک آن بینش‌ها و بیشتر از آن‌ها باشد.

اگرچه برخی معتقدند نمی‌توان مرز مشخصی میان «تلفیق بینش‌ها» و «ایجاد ادراک میان‌رشته‌ای» ترسیم کرد و آن‌ها را به عنوان دو مرحله مستقل تعریف کرد (Kline, 1996, p 233; repko, 2006) اما در عین حال محصولی که از این تلفیق استخراج می‌شود، تمایزی جدی با تمام رشته‌هایی دارد که در فرآیند تلفیق حضور داشته‌اند (Newell, 2007, p 257-261). از این رو در پاسخ به پرسش چستی ارتباط «تلفیق» با «ایجاد ادراک جامع» باید گفت، تلفیق تنها ابزاری است که به ایجاد ادراک جامع می‌انجامد نه اینکه مرحله‌ای مستقل و در عرض آن باشد.

تلفیق دانش در میان‌رشته‌گی به ایجاد یک پیشرفت شناختی می‌انجامد. این پیشرفت شناختی مواردی چون: توضیح یک پدیده، حل یک مسأله، ساخت یک محصول یا طرح یک سؤال جدید را در بر می‌گیرد. تلفیق در این فرآیند تنها وسیله‌ای برای به سرانجام رساندن تحقیق است و نه اینکه خودش سرانجام پژوهش باشد (Mansilla & Gardner, 2003, p 2; Mansilla, 2005, p 14-21).

**کیفیت ساخت ادراک جامع:** تصمیم‌گیری‌هایی که متضمن ساخت یک ادراک جامع هستند، پیرامون ارتباطات میان اجزاء و کل، یا میان بینش‌های جزئی نظری و اطلاعات کلی تجربی است (Newell, 2007, p 261). پژوهشگر باید بتواند به طریقی به ترسیم ارتباطات بینش‌های جزئی بپردازد و به نظر می‌رسد بهترین راه برای این کار، «ایجاد یک مدل از سیستم پیچیده‌ای است که بینش‌های رشته‌ای را به همراه تمام بینش‌های میان‌رشته‌ای در دسترس و همچنین به همراه الگویی جامع از رفتار این سیستم پیچیده به همراه داشته باشد» (ibid). به وسیله چنین مدلی می‌توان میزان یکپارچگی و انسجام ادراک جامع مورد نظر را آزمود (ibid). این مدل یا استعاره باید به‌خوبی معرفی و ویژگی‌ها و خصوصیات ادراک جامع باشد. در عین حال نیز نباید تناقض‌های باقیمانده در پس رشته‌های موجود را انکار نماید (ibid). مدل‌ها تاکنون در تاریخ علم بارها توانسته‌اند به ایجاد ادراک‌های جامع در ارتباط با مسائل و موضوعات پیچیده کمک کنند. برخی از این موارد عبارت‌اند از: استفاده از مدل منظومه شمسی برای تبیین ماهیت اتم، استفاده از مدل «موج آب» برای تبیین حرکت نور و صدا و... (برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: Achinstein, 1968, p 203-205).

به نظر می‌رسد که ارائه یک مدل مناسب بتواند مسیر را جهت ادراک جامع و میان‌رشته‌ای از مسأله پیچیده به‌خوبی فراهم نماید. اما در مواردی که مدل شاخصی برای نمایش ویژگی‌های ادراک جامع وجود نداشته باشد، می‌توان از توصیف بهره جست. این توصیف باید توضیح دهد که چگونه نسبت به معنای ارائه

شده از سوی بینش‌های رشته‌ای مورد بررسی قرار گرفته، متفاوت و جامع‌تر است (رپکو، ۵۱۱). اما در حوزه علوم و فنآوری، ایجاد یک فرآیند یا محصول جدید به خوبی می‌تواند نمایشگر محصول میان‌رشته‌ای مورد نظر باشد (همان). به این سه طریقی که به آن اشاره شد، می‌توان ادراک میان‌رشته‌ای را به شکل عینی‌تری به نمایش گذاشت.

در ارتباط با «شاکله»، توصیف است که می‌تواند جامع بودن آن را نشان دهد. همانگونه که در جدول شماره ۷ نیز نشان داده شد، نظریه تلفیقی بوردیو از جامع‌ترین نظریاتی بود که ماهیت درونی و بیرونی شاکله را در نظر گرفته بود. مقایسه این نظریه با دیگر نظریات و البته بومی‌سازی آن با توجه به رشته‌های روان‌شناسی و مطالعات قرآنی، حاکی از تمایز جدی آن با تمامی نظریاتی است که در این حوزه وجود دارند. بنابراین توصیف، روش بسیار خوبی برای ترسیم ادراک جامع نسبت به مقوله «شاکله» است.

### نتیجه‌گیری

مقاله حاضر از دو جهت موضوع و روش سعی در حل مسأله داشته است. در بخش موضوع به اختلاف معنایی واژه شاکله به عنوان موضوعی پیچیده نزد مفسران اشاره شده است. جدول شماره ۷ دیدگاه‌های مختلف تفسیری پیرامون «شاکله» را به نمایش گذاشته است. در بخش روش نیز کوشش شده تا با کاربست مطالعات میان‌رشته‌ای در پژوهش‌های قرآنی هم به اختلاف‌های سنت تفسیری حول شاکله پاسخ داده شود و هم در فرآیند این پژوهش به روشی نسبتاً بومی برای حل مسائل مشابه دست یابد.

در این مقاله با پذیرش فرآیند محور بودن مطالعات میان‌رشته‌ای و اتخاذ رویکرد تلفیقی، به تبیین شاکله به عنوان مفهومی پیچیده از منظر میان‌رشته‌ای پرداخته شده است. از این رو بعد از برشماری مراحل تلفیق از سوی صاحب نظران، نظریه زوستاک به دلیل بهره‌مندی از دیدگاه‌های مختلف به عنوان محور فرآیند حل اختلاف معنایی شاکله قرار گرفته است. البته آنچه از مراحل فرآیند مزبور در ادامه آمده حاصل جمع‌بندی نظرات مختلف است.

پنج مرحله را برای فرآیند تلفیق می‌توان پیشنهاد کرد: الف. شناسایی پرسش، مسأله یا موضوع میان‌رشته‌ای؛ ب. شناسایی رشته‌ها، روش‌ها، نظریات و پدیده‌های مرتبط با پرسش، مسأله یا موضوع اصلی؛ ج. زمینه‌مندسازی مسأله مورد نظر در رشته‌های مرتبط و ایجاد بینش‌های مرتبط با مسأله؛ د. دستیابی به زمینه مشترک؛ و ه. مفهوم‌سازی: ایجاد ادراک جامع و آزمون آن. تمامی این مراحل را نیز می‌توان در دو مرحله کلی «ترسیم بینش‌های رشته‌ای» و «تلفیق بینش‌ها» جای داد.

در مرحله اول پژوهشگر باید به خوبی به شناسایی مسأله یا موضوعی پردازد که پیچیده باشد و یا امکان بررسی آن به وسیله رشته‌های مختلف وجود داشته باشد. در مرحله دوم پژوهشگر باید به درستی به



شناسایی رشته‌ها، روش‌ها، نظریات و پدیده‌های مرتبط با پرسش، مسأله یا موضوع اصلی بپردازد. شکل شماره ۱ برای فهم میزان و کیفیت ارتباط مطالعات قرآنی با دیگر رشته‌ها و چگونگی شناسایی رشته‌های مرتبط با موضوعات قرآنی بسیار راهگشاست. در این شکل تفصیلی به سه کلان‌رشته پیرامون مطالعات قرآنی، یعنی: علوم انسانی غیر تجربی، علوم انسانی تجربی و علوم طبیعی اشاره شد و چگونگی شناسایی رشته‌ها، روش‌ها، نظریات و پدیده‌های مرتبط با مطالعات قرآنی را تبیین گردید؛ در مرحله سوم پژوهشگر باید مسأله میان‌رشته‌ای مورد نظرش را از دیدگاه رشته‌هایی که شناسایی کرده است، مورد نظر و بررسی قرار دهد. مرحله چهارم به تلفیق بینش‌ها اختصاص دارد. در این مرحله جهت دست‌یابی به زمینه مشترک، برداشتن دو گام ضروری است: الف. تعیین مناقشات و تناقض‌های رشته‌های مختلف پیرامون مسأله مورد نظر؛ و ب. ایجاد زمینه مشترک. جدول ۸ و ۷ به‌خوبی نمایش‌گر اختلافات رشته‌ها پیرامون «شاکله» است. اما دست‌یابی به زمینه مشترک از طریق به‌کار بستن ۵ تکنیک میسر خواهد بود: بازتعریف، تعمیم، سازماندهی، تبدیل و بسط نظریه؛ مرحله پنجم به چگونگی ایجاد ادراک میان‌رشته‌ای اختصاص دارد. سه‌طریق: مدل‌سازی، توصیف و ایجاد یک محصول جدید می‌تواند در ایجاد ادراک میان‌رشته‌ای راهگشا باشد. در ارتباط با مفهوم شاکله در قرآن کریم می‌توان گفت، این طریق توصیف است که امکان ایجاد ادراک میان‌رشته‌ای را فراهم می‌کند.

## منابع

### قرآن کریم.

- ابن عطیه، عبد الحق بن غالب، *المحرر الوجیز*، به کوشش عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان*، به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۸۲-۱۳۸۵ ق.
- ابوحیان، محمد بن یوسف، *البحر المحیط*، به کوشش عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، به کوشش عبدالقادر عرفات حسونه، بیروت، ۱۴۱۶ ق.
- ثعلبی، احمد بن محمد، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۲ ق.

- جرجانی، حسین بن حسن، *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- درزی، قاسم، «ترسیم جایگاه قرآن در منظومه علوم با تأکید بر علوم انسانی»، *علوم انسانی قرآن بنیان (چپستی، چرایی و چگونگی)*، ۱۳۹۵.
- \_\_\_\_\_، «ترسیم جایگاه قرآن در منظومه علوم تجربی با تأکید بر علوم حوزه سلامت»، *نظام سلامت در اسلام با تأکید بر آموزه‌های رضوی*، ۱۳۹۶.
- درزی، قاسم، و احد فرامرز قراملکی و منصور پهلوان، «گونه‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم»، *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره پنجم، شماره ۴، (۱۳۹۲)، صص ۷۲-۱۰۳.
- درزی، قاسم، و احمد پاکتچی و احد فرامرز قراملکی، «الزامات روش‌شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم»، *مطالعات قرآن و حدیث*، نسخه ۱۰، (۱۳۹۵)، صص ۳۵-۷۱.
- درزی، قاسم، و احمد پاکتچی، «نقش ترجمه فرهنگی در مطالعات میان‌رشته‌ای با تأکید بر الگوهای نشانه‌شناسی فرهنگی»، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره ششم، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۳، صص ۳۳-۴۹.
- درزی، قاسم، و پیام صدریه، «نگرشی میان‌رشته‌ای به حکمرانی خوب؛ زمینه‌مندسازی حکمرانی خوب در قرآن و نهج البلاغه»، *پژوهش‌های نهج البلاغه*، شماره ۴۶، (۱۳۹۴)، صص ۱۰۳-۱۲۶.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، به کوشش صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
- رپکو، آلن، *پژوهش میان‌رشته‌ای: نظریه و فرآیند*، ترجمه: محسن علوی‌پور، مجید کریمی، هدایت الله اعتمادی زاده دریکوندی، علی اکبر نور علیوند، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۴.
- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
- سبزواری نجفی، محمد، *ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ ق.
- سلطان‌علیشاه، سلطان محمد بن حیدر، *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.
- سلمی، محمد بن حسین، *حقائق التفسیر*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
- سمرقندی، نصر بن محمد، *بحر العلوم*، بی‌جا، بی‌تا.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، *الدر المنثور فی تفسیر الماثور*، بیروت، ۱۹۹۳ م.
- شریف رضی، محمد بن حسین، *تلخیص البیان عن مجازات القرآن*، بی‌جا، بی‌تا.
- طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰.
- طبرسی، فضل بن حسن، *جوامع الجامع*، به کوشش ابوالقاسم گرگی، تهران، ۱۳۶۷.
- \_\_\_\_\_، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.

- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- فراء، یحیی بن زیاد، *معانی القرآن*، مصر، دارالمصریه للتالیف و الترجمة، بی‌تا.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، *لطایف الاشارات*، مصر، الایهینه المصریه العامه للکتاب، بی‌تا.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷.
- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمد حسن علم، ۱۳۳۶.
- کاشفی، حسین بن علی، *موهب علیہ*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات اقبال، ۱۳۶۹.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *عین الحیات*، مشهد، آستان قدس رضوی، بی‌تا.
- Achinstein, Peter, *Concepts of Science: A Philosophical Analysis*, Baltimore, Maryland: John Hopkins Press, (1968).
- Jay Gould, Steven, "What is Interdisciplinary Studies? ", (2004), Find in: [www.uta.edu/faculty/repko/INTS\\_2301/IP1.1%20WHAT%20IS%20INTS.newell%20black.doc](http://www.uta.edu/faculty/repko/INTS_2301/IP1.1%20WHAT%20IS%20INTS.newell%20black.doc)
- Klein, J.T, and Newell, W., "Advancing interdisciplinary studies", In J. Gaff and J. Ratcliffe (Eds.), *Handbook of the undergraduate curriculum: A comprehensive guide to purposes, structures, practices, and changes* (pp. 393-415), San Francisco: Jossey-Bass, (1997).
- Klein, Julie Thompson, *Crossing boundaries: Knowledge, disciplinaries and interdisciplinaries*, Charlottesville, VA: University Press of Virginia, (1996).
- \_\_\_\_\_, *Mapping Interdisciplinary Studies*, The Academy in Transition Series, Washington, D.C.: Association of American Colleges & Universities, (1999).
- \_\_\_\_\_, *Interdisciplinarity: History, theory and Practice*, Dtroit: Wayne State University, (1990).
- Kockelmans, Joseph J., *Interdisciplinarity and higher education*, The Pennsylvania State University Press, (1979).
- Lattuca, Lisa R., *Creating interdisciplinarity: interdisciplinary research and teaching among college and university faculty*, Nashville: Vanderbilt University Press, (2001).
- Mansilla, Veronica Boix & Howard Gardner, "Assessing Interdisciplinary Work at the frontier: An Emprical Exploration of 'Symtoms of Qualities' ", paper presented at *Rethinking*

**Interdisciplinarity**, An online seminar supported by the C.N.R.S. project Society of information, (2003).

Mansilla, Veronica Boix, "Assessing Student Work at Disciplinary Crossroads", *Change the magazine of higher learning*, (vol. 37, issue 1), pp 14-21, (2005).

Newell, William H., "A theory of interdisciplinary studies", *Issues In Integrative Studies*, No. 19, pp. 1-25, (2001).

\_\_\_\_\_, "Decision Making in Interdisciplinary Studies", In Göktug Morçöl (Ed.), *Handbook of decision making*, New York: Marcel Dekker, pp .245-264, (2006).

\_\_\_\_\_, *Interdisciplinarity: Essays from the literature*, New York: College Entrance Examination Board, (1998).

Nikitina, Svetlana, " Navigating the Disciplinary Fault Lines' in Science and in the Classroom: Undergraduate Neuroscience Classroom in Mind, Brain, and Behavior at Harvard", *Issues In Integrative Studies*, No. 20, pp. 27-44, (2002).

\_\_\_\_\_, "Pathways of Interdisciplinary Cognition", *Cognition And Instruction*, 23(3), pp. 389-425, (2005).

\_\_\_\_\_, "Three Strategies for Interdisciplinary Teaching: Contextualizing, Conceptualizing, and Problem-Centring", *Journal of Curriculum Studies*, Vol. 38, No. 3, pp. 251-271, (2006).

Repko, Allen F, "Disciplining Interdisciplinarity: The Case for Textbooks", *Issues In integrative Studies*, No. 24, pp. 112-142, (2006).

\_\_\_\_\_, *Interdisciplinary research: Process and theory*, Thousand Oaks, CA: Sage, (2008).

Szostak, Rick, "How to Do Interdisciplinarity: Integrating the Debate", *Issues In integrative Studies*, No. 20, pp. 103-122; (2002).

\_\_\_\_\_, "Theory extension", (2015), in: <https://sites.google.com/a/ualberta.ca/rick-szostak/research/about-interdisciplinarity/best-practices/interdisciplinary-research/integrating-insights/creating-common-ground/extension>.